

محتوای

۴۸ صفحه
۶۵۰۰ ریال

شماره پی در پی
۱۱۰

دوره نوزدهم
دی ماه ۱۳۹۲

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

- مدیر مسئول: محمد ناصری
- سر دبیر: محمدرضا حشمتی
- شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
علی اصغر جعفریان، فرحناز حدادی،
لیلی محمد حسین و منصور ملک عباسی
- مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
- ویراستار: کبری محمودی
- طراح گرافیک: ندا عظیمی

...

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام نگار: motevaseteh@roshdmag.ir

...

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد سر دبیر: ۱۱۵

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

ماه نامه آموزشی، تحلیلی
و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و
کارشناسان آموزش و پرورش
۱۰۶ شماره قبلی این نشریه با نام
رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
منتشر شده است.

۲ پرسش های بی پاسخ - محمدرضا حشمتی

۴ نگین اخلاق و عرفان - ناصر نادری

۶ یاد بده خشمش را مهار کند - سعید بی نیاز

۹ عادت به نوشتن - افسانه حجتی طباطبایی

۱۲ چند نکته نگارشی

۱۳ مأموریت مدرسه چیست؟ - سمانه آزاد

۱۶ راهبرد یادگیری و مطالعه روش مردر - دکتر نیره شاه محمدی

۲۰ آموزش و پرورش فراگیر - دکتر ابوالفضل سعیدی

۲۳ یک اجرای خلاقانه - محمد شاکر - سعید شادروانان - مهدی رضاییان

۲۷ مهارت یادداشت برداری - حدیثه اوتادی

۳۰ برخورد با متعلم در متون کهن - بهدخت نژادحقیقی

۳۲ نقد مجلات رشد - معصومه نژادحسینی

۳۴ من هیچ کس را دوست ندارم - آزاده فخری

۳۶ محیط زیست انرژی - هیوا عزیزاده

۳۸ ما آینده یکدیگریم - فرزانه نوراللهی

۴۰ کنترل هیجان - فاطمه ملاصالحی

۴۳ مشاور دلسوز - امیرمنصور بابایی

۴۴ باز خورد مؤثر چیست؟ - الهه جمشیدی کاشانی

۴۶ عقل مسلمان تمام - مهرناز رفیعی

عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده
مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان
مجله نیست.

- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدفها و پیام نوشتار
در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و
سوتیتر باشد.
- معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه

نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و
روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند.
- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد
و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن
مشخص شود.

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار
این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته
باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه
می کنید این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا

قابل توجه
نویسندگان
و مترجمان
محترم



پرسش‌های بی‌پاسخ

محمد رضا حشمتی

گسست موجود کمی پیچیده‌تر از آن است که گفته شده است و تصور می‌رود. اگر ما در دادن پاسخی شایسته به اینکه تربیت چیست درمانده‌ایم، از آن‌روست که به بسیاری از پرسش‌های سرسخت‌تر و آزاردهنده‌تر نپرداخته‌ایم؛ پرسش‌هایی که تلخ‌اند و گزنده؛ پرسش‌هایی که نه تنها به‌خاطر پاسخ نیافتن، بلکه از آن‌رو که در جریان تربیت مجال طرح شدن نیافته‌اند، ما را سرگردان کرده‌اند. باید به آغاز برگشت و در داشته‌ها، کاشته‌ها و برداشته‌ها تأمل و راه‌ها و رویه‌ها را بررسی کرد. باید روش‌ها و منش‌ها را به چالش کشید، پرداخت‌ها و باخت‌ها را ارزیابی کرد، خروج‌ها و اخراج‌ها را حسابرسی کرد، همهٔ اوج‌ها و اعوجاج‌ها را وارسی کرد و به تأملی باریک‌اندیشانه دست یافت و دید که هر کس با خود، با سرمایه‌هایش و با دست‌پرورده‌هایش چه کرده است.

باید تأمل و راه رفته را نقد کرد، هر چند دستاوردها و راه‌های رفته سخت‌تر به پرسش می‌دهند:

۱. تربیت چیست؟ (مفهوم تربیت)
۲. تربیت را از آنچه تربیت نیست، با چه شاخصه‌هایی باز می‌شناسیم؟ (معیارهای تربیت)
۳. چه کسی را می‌خواهیم تربیت کنیم؟ (موضوع تربیت)
۴. چرا فکر کرده‌ایم باید او را تربیت کنیم؟ اگر او را تربیت نکنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ و اگر این اتفاق افتاد چه می‌شود؟ (ضرورت‌های تربیتی)
۵. چرا فکر کرده‌ایم می‌توانیم و شایستهٔ تربیت کردن اویم (صلاحیت‌های مربی)
۶. او کیست؟ چه ماهیتی دارد؟ (ماهیت آدمی)

قرار بود گفتمان ما گفتمان سند تحول بنیادین باشد. بعضی از همکاران - معلمان - نسبت به واژه‌ها و کلمات استفاده شده در اسناد بالادستی سؤال دارند و می‌پرسند: آیا نمی‌شد از واژه‌های پرمصرف در ادبیات تعلیم و تربیت جاری استفاده کنیم؟ چرا مفاهیم را سخت می‌کنیم؟ بر این اساس، سعی ما بر این است که در این نوشته کمی خودمانی‌تر گفتمان را تبیین کنیم. به‌نظر می‌رسد، مفاهیم زیر کلتی از آنچه را که در اسناد بالادستی آمده است مطرح کند. نگارنده نیز برای تحقق این مهم، از آثار استادان خود آقایان دکتر اسکندری و دکتر شعاری نژاد بهره برده است.

در این دو سالی که از تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش گذشت، کم نبود آثاری که در باب تربیت به نگارش درآمد؛ نوشته‌هایی که در آن‌ها یا از مفهوم و اصول و روش‌ها سخن گفته شد، یا از نظرها و منظرها یا از آنکه تربیت چه چیزی نیست. گاه نظرگاهی شخصی و سلیقه‌ای خصوصی بر قله نشست و گاه تربیت از منظری دینی تفسیر شد، چشم‌اندازی ترسیم و از ذوقی حکایت شد. تربیت چیست؟ پاسخ به این سؤال، هم چاره‌جویی فکری می‌طلبد و هم گره‌گشایی عملی می‌خواهد. صواب یا ناصواب، از هر گوشه چشم‌اندازی برابر دیدهٔ تشنگان نشانده می‌شود و همواره فاصله‌ای سخت میان فهم قله‌نشینان علم تربیت و تلاش چله‌نشینان عمل تربیت، ذهن را آزار می‌دهد. این فاصله را شکافی‌هایی دیگر دامن می‌زنند.

شتاب پاسخگویی، سالیانی است ما را از پرداختن جدی به مسائل پنهان و آشکار تربیت بازداشته است. اگر چنان شتابی پاسخگوی عطش ما بود، لاجرم امروز باید کام تشنه‌مان فرو می‌نشست.

۷. او کجا ایستاده است؟ به کجا می‌رود؟ ما او را به کجا می‌بریم و چرا؟ از چه راهی و چگونه او را به مقصد می‌بریم؟ (هدف‌ها و روش‌های تربیت)

۸. اگر در میانه راه او رفت و ما ماندیم، چه کار خواهیم کرد؟ (ظرفیت‌ها و تنگناهای تربیتی)

۹. اگر مقصد ما همان مقصود اندیشیده ما نباشد آن‌گاه چه خواهیم کرد؟ اگر مقصد ما و مقصود او به هم نیامد، آن‌گاه چه خواهیم کرد؟ اگر به مقصد رسیدیم و فهمیدیم که از بیراهه آمده‌ایم چه خواهیم کرد؟ (ارزیابی‌ها و ارزشیابی‌های نتایج و دستاوردها)

پاسخ دادن به این پرسش‌ها به تنهایی چاره‌گشا نیست؛ چه آنکه ممکن است به ترکیب نامتناسبی از اجزای ناهمگون بدل شود و همان هیئت بی‌قواره شتر گاو پلنگی از آب درآید که از آن می‌گریختیم.

باید نگاه ما به اصل ماجرا درست تنظیم شود. چارچوب مرجع مناسبی برای فهم مسئله و سپس راه درستی برای حل آن پیدا کنیم. آن‌گاه طرح و برنامه عمل را مهیا سازیم. سازوکار عمل را بیابیم، مراحل کار را مرتب کنیم و نهایتاً با برنامه‌ای مشخص وارد مرحله اجرا شویم. این‌ها همه یعنی بی‌حساب نمی‌توان دل به دریا زد و تربیت کرد.

بی‌اغراق، شاید مهم‌ترین و عمده‌ترین معضل تربیت در این زمانه بیش از هر زمان دیگر، نه در درستی و نادرستی قدم‌هایی است که برداشته می‌شود بلکه تراکم این اقدام‌ها، که خود از نوعی بی‌برنامگی و آشفتگی ذهنی برآمده، موجب شده است تا راه‌بندان تربیتی به وجود آید.

تربیت مثل هر اقدام هدفمندی از طرح و نقشه برخوردار است و بدون فهم و دستیابی به آن نمی‌توان آن را عملی ساخت. اجرای هر نقشه در گرو دانش و مهارت ویژه‌ای است و ابزار و وسایل معینی می‌خواهد. زمان و مکان اجرا از اهمیت خاصی برخوردار است. ادراک چالش‌های پیش‌رو، مسائل و معضلات احتمالی و بررسی تنگناها و محدودیت‌های عملی از جمله مسائلی هستند که نشان می‌دهند شاید تربیت یک انسان به اندازه پختن غذا یا ساختن یک ساختمان یا طراحی یک ماشین، با پیچیدگی‌های خاصی روبه‌رو باشد تا هر کس تنها به صرف آنکه در کلاس درس وظیفه آموزش را به دوش می‌کشد یا پشت جعبه جادویی می‌نشیند، این توهم در او شکل نگیرد که تربیت هم می‌داند.

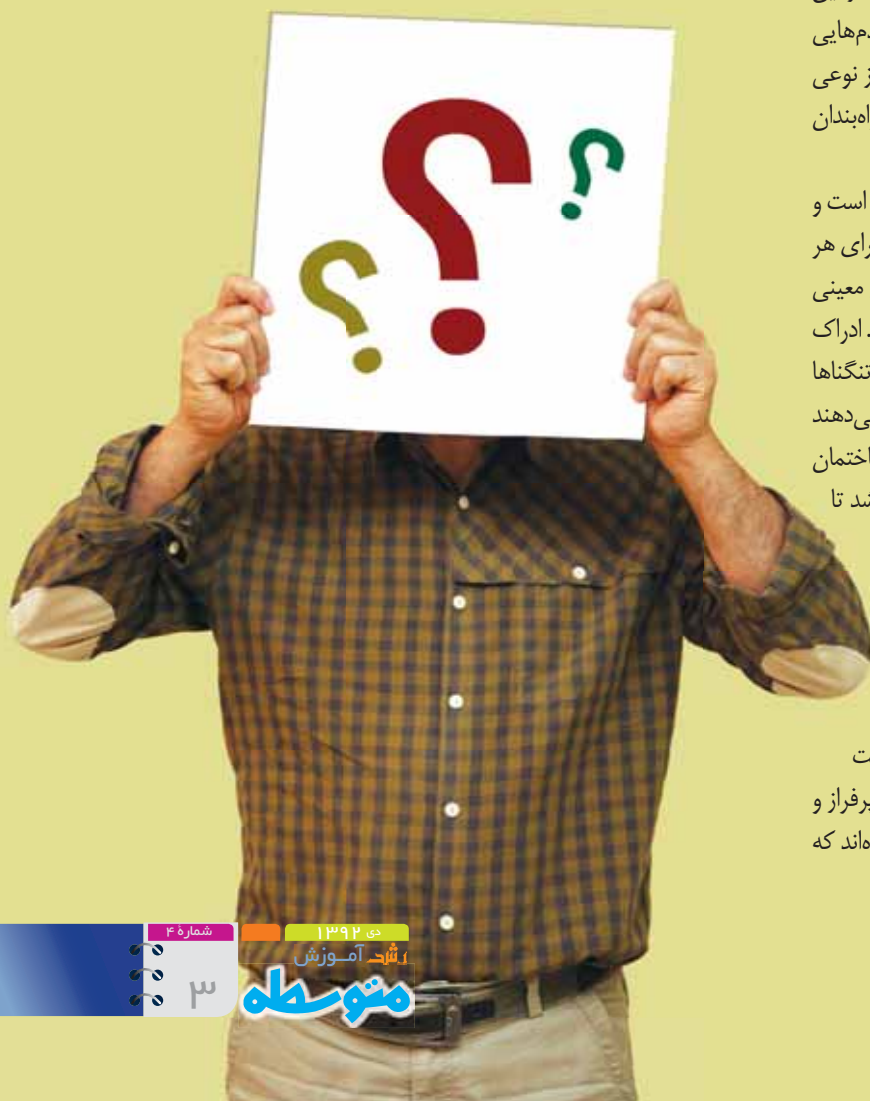
هر کس که کارش تعلیم و تربیت است، می‌داند که تربیت امری «دانستنی» نیست، بلکه «تجربه زیسته یک انسان» است در طول دورانی که زندگی را مشق کرده است و تنها کسی از راز و رمز آن آگاه است که قدم در این راه پرفراز و فرود گذاشته باشد. راه رفته را می‌توان نشان داد. رفتگان راه‌اند که

می‌توانند راهنمایی کنند و دست بگیرند و به مقصد ببرند. این نکته در گفتار آسان و در عمل بسی دشوار است. تربیت راهی است که یک مربی بارها آن را رفته است و آن‌گاه رنج همراهی را بر خود هموار می‌کند.

درد پنهان زمانه ما همان است که بار تربیت را کسانی بر دوش می‌کشند که تجربه زیسته اندکی دارند. بی‌بهره از عمق و غنای مدرسه، همیشه در مرزهای مدرسه زیسته‌اند؛ پربار از اندوه دره‌ها و هولناک از فروافتادن در پرتگاه‌ها. اینان هراس زده و پریشان، تنها نگران مرزهایند. عبور از مرزها آنان را وحشت زده می‌کند. زندگی برای آنان در همین خطوط بی‌بعد خلاصه می‌شود و ندیده گرفتن آن‌ها به معنای ندیدن زندگی است.

درد آشکار روزگار ما «غوغاسالاری» بر سر تربیت است و متهم کردن نسل امروز به اینکه بد تربیت شده‌اند و خوب بار نیامده‌اند! به فرض که چنین باشد؛ مگر نه این است که ما خود مربیان این نسل بوده‌ایم؟

پس آیا نباید خودمان پاسخگو باشیم؟ آری، ما نتوانسته‌ایم آنان را چنان‌که باید تربیت کنیم. چرا؟!



نگین اخلاق و عرفان

زندگی، شخصیت و اندیشه‌های تربیتی

آیت‌الله مجتبی تهرانی

ناصر نادری



نام حاج آقا مجتبی تهرانی برایم همواره تداعی‌کننده شب‌های قدر ماه رمضان است؛ شب‌هایی که در مسجد جامع بازار تهران با طمانینه و آرامش معنوی، از اخلاق و زندگی مؤمنانه می‌گفت و تا خنکای سحر، مراسم احیا را برگزار می‌کرد و با صدای آمیخته به اشک، «العفو العفو» را زمزمه می‌کرد.

شیخ مجتبی تهرانی (۱۳۹۱-۱۳۱۶) مرد اخلاق و عرفان بود. چندین بار حضور در جلسات اخلاقش در خیابان ایران در تهران، چهره دوست‌داشتنی و نورانی‌اش را در قلبم حک کرده بود. ویژگی‌های اخلاقی و معلمی و مربیگری، بخشی از شخصیت اوست و آنچه در اینجا می‌آید، گوشه‌ای است از زندگی، شخصیت فرهنگی و اندیشه‌های تربیتی ایشان که عمدتاً وامدار وبگاه: mojtabatehrani.ir است.

تجربیات از زبان شاگردان

چرا دیگر نمی‌آید؟

۴ ساعت مطالعه،

۱۰ ساعت فکر

ایشان می‌گفتند: «من

۴ ساعت مطالعه می‌کنم و

۱۰ ساعت باید فکر کنم که

این ۴ ساعت مطالعه را چطور

در یک ساعت القا کنم که

مستمع مطلب را خوب بگیرد

و به‌عمق آن برسد!»

من ابتدا دو سه مرتبه به جلسات ایشان رفتم. بعد به دلیلی نتوانستم در آن جلسات شرکت کنم. یکی از دوستان پیغام آورد که حاج آقا گفته‌اند: «جوانی که دو سه جلسه آمد، من احساس می‌کردم که دارد حرف‌هایم را گوش می‌کند، چرا دیگر نمی‌آید؟ مریض شده؟ از جلسه من بدش آمده؟ نپسندیده؟ دلیل نیامدنش چیست؟» خود این توجه ایشان به تک‌تک مستمعین جلساتشان - که من هم یکی از آنها بودم - در من انس و علاقه‌ای نسبت به ایشان به‌وجود آورد.

دامنه علم

آدم وقتی به‌یاد ایشان می‌افتد، می‌فهمد که چقدر دامنه علمشان وسیع بود. خیلی اهل مطالعه بود. خیلی کم‌حرف و کم‌صحبت بود. وقتی هم که سفر می‌رفتیم، ما سه چهارتایی با هم صحبت می‌کردیم و ایشان همه‌اش گوش می‌داد.

در گذر
زمان

دی ۱۳۹۲

شماره ۴

شماره ۴

۴

متوسطه

● ادب با معنویات

ادب [ذاتاً] با معنویات است؛ یعنی ادبی که جنبه الهی داشته باشد. معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می‌کند.

● بهترین روش تأدیبی

سیره انبیا و اولیا، همه جنبه‌های عملی دارد. این تأدیب غیرمستقیم است که همان روش عملی انبیا و اولیاست و ما گاهی از آن به «سنت» تعبیر می‌کنیم. این سنت، مدار بازتری دارد. این اصطلاحی است که ما به کار می‌گیریم؛ هم روش گفتاری و هم روش رفتاری را دربرمی‌گیرد.

● رفتار یا گفتار

از نظر اثرگذاری، اثری که در رفتار وجود دارد، در گفتار نیست. شما اگر نگاه کنید، می‌بینید که در روایات ما، بر معاشرت و مصاحبت و مجالست و تعبیراتی از این دست تأکید شده است؛ مثل اینکه می‌فرماید: «جالس العلماء». دستور می‌دهد که با این‌ها نشست و برخاست کنید، با این‌ها باشید و... این برای چیست؟ برای اینکه «روش» بگیریم. به تعبیر دیگر، از کسانی که مربی به تربیت ربوبی شده‌اند، روش بگیرید و سراغ آن‌ها بروید. هر کاری که آن‌ها کردند، شما هم انجام بدهید.

● تفکر و عزم انسان

بعد از اینکه شخص از منزل «تفکر» گذشت، پا به منزل «عزم» می‌گذارد. عزم نسبت به عمل است و تصمیم قطعی است. عزم از امتیازات انسان نسبت به سایر حیوانات است. جوهره انسانیت عزم است. میزان اعتبار انسان از سایر حیوانات عزم اوست. حتی تفاوت درجات انسان‌ها، به تفاوت درجات عزم آن‌هاست.

● تعادل در دعوت

انبیا آمدند تا در این روابط، نیروی شهوت، غضب و هَم انسان را مهار کنند. اگر کسی بگوید انبیا می‌خواهند این قوا را از بین ببرند، حرفش مخالف نظام اتم است و اصلاً مورد قبول نیست. نه آمده‌اند انسان را به سمت نفسانیات حرکت بدهند و نه آمده‌اند ریشه تمایلات را بخشکانند. انبیا برای جلوگیری از اطلاق این مطلق‌ها آمده‌اند. اینکه ما می‌بینیم در دعوت انبیا، در رابطه با این سه قوه نفسانی، این همه دستور و فرمان وجود دارد، برای این است که انسان با کنترل و تحدید این نیروها می‌تواند به سعادت برسد.

● لوح فشرده حدیث پارسایی

● لوح فشرده تهذیب الاخلاق

● کتاب سلوک عاشورایی

● کتاب رسائل بندگی (شش جلد شامل دفاتر دل، حب به دنیا، حب به خدا،

شوق و انس به خدا، شهود و لقای خدا، و آداب خلوت با خدا)

● کتاب شرح خطبه فدک

● کتاب التهذیب فی تفسیر القرآن (۱۵ جلد)

● کتاب تأدیب نفس (جلد اول از مجموعه پنج جلدی ادب الهی)

● ما هم کار خودمان را می‌کنیم!

در بعضی از نوارهای جلسه، صدای ضدهوایی ضبط شده است. حتی ایشان در یکی از صحبت‌هایشان می‌خواهند در تاریکی حدیثی بخوانند، یک چراغ قوه برایشان می‌آورند و حاج آقا می‌گوید: «آن‌ها برونند کار خودشان را بکنند، ما هم کار خودمان را می‌کنیم!» و مردم می‌خندند.

● خدا پدر و مادرت را بیامرزد!

من اسم دختر اولم را گذاشته بودم «ضحی». مادرشان و اطرافیان از اسم ضحی خیلی خوششان آمده بود. خدمت حاج آقا رسیدم، بچه در بغلشان بود تا اذان و اقامه بخوانند. اذان و اقامه را خواندند و فرمودند: «اسمش را چه گذاشته‌ای؟»

گفتم: «ضحی».

ایشان مکث کردند و اخمی درهم کشیدند و پرسیدند: «ضحی؟»

گفتم: «بله آقا! خداوند متعال به آن قسم خورده».

ایشان گفت: «خب، شما می‌گذاشتید مهدیه، زهرا، فاطمه».

گفتم: «در خانواده تکراری بود».

گفتند: «تکراری در خانواده؟!»

بعد گفتند: «حالا شناس نامه هم گرفته‌اید؟»

دیگر ماندم چه بگویم. عرض کردم: «جسارتاً بله».

ایشان گفتند: «عیبی ندارد. ان شاء الله مبارک باشد. باز خدا پدر و مادرت

را بیامرزد که رفتی اسم قرآنی انتخاب کردی. بعضی اسم بچه‌شان را

می‌گذارند چلچله و فلان و از این حرف‌ها!»

۱۳۹۱	۱۳۶۴	۱۳۵۷	۱۳۵۱	۱۳۴۷	۱۳۴۳
رحلت و کوچ ابجدی و تدفین در محن و سرای حضرت عبدالعظیم (حسینی ع)	برگزاری جلسات دروس خارج در مدرسه مروی تهران	کسب اجازه از امام خمینی برای تربیت نیروهای جوان	اقامة نماز جماعت در مسجد جامع بازار تهران	مهاجرت به نجف و استفاده از درس امام خمینی، آیت الله خویی و آیت الله حکیم	چاپ نسخه‌ای از رساله عملیه امام خمینی با تصحیح وی

مهارت چهارم: مهار کردن خشم

مهار کردن خشم می تواند مانع
خیلی از دعوای مدرسه ای شود

یاد بده خشمش را مهار کند

سعیدی نیاز

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی
و مدرس مهارت های زندگی

مواد لازم:

مداد

پرسش نامه نقطه جوش

به تعداد دانش آموزان

با افزایش ترشح هورمون ها در دوره بلوغ، نوجوانان به راحتی هیجان زده می شوند. این هیجان ها ممکن است مثبت یا منفی باشند. یکی از هیجان های منفی خشم است؛ هیجانی که اگر مهار نشود می تواند دعوای نوجوانان خطرناکی راه بیندازد. شما به عنوان معلم یا مربی این دوره سنی می توانید به نوجوانان آموزش دهید که چگونه خشمشان را مهار کنند. توانایی مهار کردن خشم بخشی از مهارت مدیریت هیجان های منفی، یعنی یکی از مهارت های ده گانه زندگی است. مهارت های ده گانه زندگی در کشورهای پیشرفته دنیا در همه دوره های تحصیلی آموزش داده می شوند. در این شماره، شیوه آموزش مهار کردن خشم را که ویژه سنین دانش آموزان دوره اول متوسطه است شرح می دهیم.



پرسش نامه نقطه جوش

نام:

تاریخ:

دستورالعمل

پنج جمله نخست پرسش نامه را بخوانید و به آن‌ها جواب دهید. بعد پاسخ‌های خود را در گروه‌های سه نفری با یکدیگر در میان بگذارید. آن‌گاه رهبر کلاس نحوه جواب دادن به بقیه سؤالات را توضیح می‌دهد.

دربارهٔ عصبانیتان

به کتری آب روی گاز روشن فکر کنید. ابتدا هیچ اتفاقی به نظر نمی‌رسد، ولی به تدریج حباب‌هایی روی آب داخل آن ظاهر می‌شوند. حباب‌ها بیشتر می‌شوند تا جایی که تعداد زیادی حباب ریز روی آب جمع می‌شود. رفته رفته حباب‌ها سریع‌تر تشکیل می‌شوند و بزرگ‌تر می‌شوند. با گذشت زمان، از کتری بخار خارج می‌شود. مدتی بعد حباب‌ها آن قدر سریع تشکیل می‌شوند که آب کتری سر می‌رود. حالا به ریخته شدن بنزین روی زمین و شعله‌ور شدن آن با یک کبریت فکر کنید. بنزین فوراً آتش می‌گیرد و آتش زبانه می‌کشد.

سؤالات

۱. آیا عصبانیت شما شبیه جوش آمدن آب کتری است یا مثل شعله‌ور شدن ناگهانی بنزین؟

۲. آیا شما به تدریج عصبانی می‌شوید یا یکدفعه؟

۳. آیا از فکری که ماشهٔ عصبانیتان را می‌چکاند مطلع هستید؟ برای مثال، آیا معتقدید اوضاع باید طبق میل شما پیش برود و همه چیز عادلانه باشد؟

۴. وقتی عصبانی می‌شوید می‌توانید خودتان را آرام کنید یا عصبانی می‌مانید؟

۵. عصبانیت شما معمولاً چطور از بین می‌رود؟

۶. شما معتقدید بهتر است عصبانیتان را بروز دهید یا در خودتان نگه دارید. چرا؟

۷. اگر معتقدید بهتر است عصبانیتان را بروز دهید، این کار را چطور انجام می‌دهید؟

۸. آیا می‌توانید سه روش نامطلوب بروز عصبانیت را نام ببرید؟

۹. چرا این سه روش نامطلوب هستند؟

۱۰. چطور می‌توانید آن دسته از فکرها را که در طرز کنار آمدن شما با عصبانیتان نقش دارند عوض کنید؟ برای مثال، فرض کنید چون فکر می‌کنید پدر و مادرتان همیشه باید درخواست شما را بپذیرند ولی گاهی اوقات نمی‌پذیرند، عصبانی می‌شوید. آیا اگر طرز فکرتان را عوض کنید و با خود بگویید «خیلی خوب می‌شد اگر همیشه درخواست مرا می‌پذیرفتند ولی این یک فکر غیرواقع‌بینانه است» عصبانیتان کمتر می‌شود؟ (اگر می‌توانید مثال بزنید.)



شیوه آموزش

برای آموزش شیوه مهار کردن خشم باید گام‌های زیر را طی کنید:

گام ۱

برای دانش‌آموزان توضیح دهید که خشم یکی از هیجان‌های اصلی است. هیجان‌های اصلی از جمله خشم، شادی، تنفر، اندوه، غم و ترس هستند. هیجان‌های دیگر ترکیب دو یا چند هیجان اصلی با همدیگرند. برای آن‌ها توضیح دهید که خشم هم مثل همه هیجان‌های ما به‌خاطر فکر ما به‌وجود می‌آید نه در اثر موقعیتی خاص. مثلاً شنیدن ناسزا ممکن است یک نفر را عصبانی کند و کسی دیگر را نه. بنابراین، هیچ موقعیت مطلقاً عصبانی‌کننده‌ای وجود ندارد. این ما هستیم که به‌خاطر نوع نگاهمان عصبانی می‌شویم یا نمی‌شویم. معمولاً وقتی ما یک موقعیت را ناعادلانه تشخیص می‌دهیم، عصبانی می‌شویم. اما ادراک ناعادلانه بودن برای هر فرد با فرد دیگر فرق می‌کند.

گام ۲

به هر دانش‌آموز یک پرسش‌نامه نقطه جوش بدهید و از آن‌ها بخواهید دستورالعمل پرسش‌نامه را بخوانند و به پنج سؤال اول جواب دهند.

گام ۳

دانش‌آموزان را به گروه‌های سه نفری تقسیم کنید و از آنان بخواهید پاسخ‌هایشان به پنج سؤال اول را با یکدیگر در میان بگذارند.

گام ۴

از هر گروه یک نفر را به گروه دیگر بفرستید. از گروه‌های جدید بخواهید در مورد پنج سؤال آخر بحث کنند. به دانش‌آموزان اطمینان دهید که پاسخ‌هایشان ثبت می‌شود.

گام ۵

از دانش‌آموزان بپرسید از پاسخ‌های خود به پرسش‌نامه نقطه جوش چه درسی گرفتند؟ آیا نکته تعجب‌آوری در پاسخ‌ها دیدند؟

گام ۶

از دانش‌آموزان بپرسید در بحث‌های گروهی خود چه نکاتی آموختند؟ کدام شیوه‌ها برای مهار عصبانیت مؤثرترند؟

گام ۷

از دانش‌آموزان بپرسید گروه آن‌ها چه راهکارهای دیگری برای کنار آمدن با عصبانیت پیشنهاد می‌کند؟ چرا این راه‌ها مؤثر نیستند؟

گام ۸

از دانش‌آموزان بپرسید آیا فکری را که ماشه عصبانیت را می‌کشند پیدا کردند؟ برای مثال بپرسید: آیا وقتی فکر می‌کنید به شما ظلم شده است یا مردم آن‌طور که باید با شما رفتار نمی‌کنند، عصبانی می‌شوید؟ (برای بچه‌ها توضیح دهید به این دلیل عصبانی می‌شوید که فکر می‌کنید امور باید به دلخواه شما باشند، از این‌رو تحمل برآورده نشدن انتظاراتتان را ندارید. از آن‌ها بخواهید با چند مثال بگویند که چطور عصبانی می‌شوند).

گام ۹

از دانش‌آموزان بپرسید به‌نظرشان بهتر است عصبانیت را بروز داد یا در خود نگه داشت؟

گام ۱۰

از دانش‌آموزان بخواهید اگر بیرون از مدرسه عصبانی شدند، دلیل‌های بروز عصبانیت و روش‌های کنار آمدن مؤثر با آن را ثبت کنند و در جلسه بعدی کلاس مهارت‌های زندگی با بقیه در میان بگذارند.

مقاله و مقاله‌نویسی (۱)

عادت به نوشتن

افسانه حجتی طباطبایی

حتماً شما هم این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که «کار نیکو کردن از پر کردن است»؛ ضرب‌المثلی که در مورد نوشتن نیز صدق می‌کند. پس برای اینکه بتوانید بنویسید و خوب هم بنویسید، لازم است خود را به نوشتن عادت دهید. برای کسب عادت خوب نوشتن، نخست عادت به مطالعه را در خود تقویت کنید. به یاد داشته باشید که معمولاً بین میزان مطالعه و کیفیت نوشته رابطه مستقیمی وجود دارد. در واقع، مطالعه و بررسی دقیق منابع اطلاعاتی، که به آن **مطالعه فعالانه** هم می‌گویند، بسیار مؤثرتر از مطالعات پراکنده و بی‌هدف است. باید بدانید که بین مطالعه و خواندن تفاوت وجود دارد. منظور از مطالعه، خواندن هدفمند درباره موضوعی از پیش برنامه‌ریزی شده است. مطالعه معمولاً با سؤالی در ذهن خواننده و نیاز اطلاعاتی او آغاز می‌شود. پس مفهومی فراتر از «خواندن» صرف منابع اطلاعاتی دارد و همه فعالیت‌های ذهنی فرد در زمینه موضوعی خاص را شامل می‌شود. بر این اساس، «خواندن» به قصد سرگرمی و لذت بردن را نمی‌توان «مطالعه» دانست. در واقع، مطالعه نوعی خواندن هدفمند و مبتنی بر دقت و بررسی است. راهکار دیگر برای عادت کردن به نوشتن این است که روزانه زمان خاصی را به تمرین نوشتن اختصاص دهید. این زمان ابتدا می‌تواند کوتاه باشد اما به تدریج آن را افزایش دهید. باید بدانید که مثل هر مهارت دیگری، مهارت نوشتن هم تنها با تکرار و تمرین در شما تقویت می‌شود.

لازم نیست که در مراحل نخست نوشتن همه نوشته‌هایتان جدی و مهم باشند اما باید بتوانید میان دانسته‌هایتان و آنچه می‌نویسید، پیوند برقرار کنید و در عین حال، بکوشید ایده‌هایتان را به همان شکل منسجم و منظمی که در ذهن دارید، روی کاغذ بیاورید و به مخاطب منتقل کنید. کسب عادت به نوشتن زمینه را برای تمایل هر چه بیشتر شما به نگارش افزایش می‌دهد. فراموش نکنید که هنگام مطالعه یادداشت بردارید و از این یادداشت‌ها در نوشته‌های خود استفاده کنید. وبلاگ‌نویسی هم فرصت مناسب دیگری است که با استفاده از آن می‌توانید به‌طور مستمر و درباره موضوعی مشخص بنویسید.

یادتان باشد که پس از نوشتن و مرور نوشته خود، آن را ویرایش کنید. البته در تجربه‌های نخست نوشتن، در ویرایش نوشته‌تان چندان سخت‌گیر و کمال‌گرا نباشید که از نوشتن دلسرد شوید و اعتماد به نفس خود را در این زمینه از دست بدهید. مطمئن باشید که با مطالعه، تمرین و تکرار، توانایی کافی برای نوشتن پیدا می‌کنید.

پس دست به قلم شوید!



گام‌های نخست

برای شروع به نوشتن، ابتدا تصمیم بگیرید که واقعاً می‌خواهید چه بنویسید. ایده‌هایی را که در ذهن دارید، مایلید در چه قالبی سازماندهی کنید و روی کاغذ بیاورید؟ قصه، سفرنامه، نمایشنامه، مقاله، گزارش یا...؟ پاسخ دادن به این پرسش در واقع نخستین گامی است که شما برای تحقق رویاهایتان درباره نوشتن برمی‌دارید. به این ترتیب، شما تصمیم می‌گیرید یک متن علمی بنویسید که هدفش رساندن پیام و دادن اطلاعات خاصی است یا یک متن داستانی و خلاق که در آن ضمن بیان تصورات شخصی، با تکیه بر تخیل و الهام تصویرهای ذهنی‌تان را پردازش می‌کنید.

فرض می‌کنیم تصمیم گرفته‌اید یک مقاله علمی- پژوهشی بنویسید. بدون شک همه شما درباره مفهوم، شکل و شیوه نگارش این گونه نوشتاری اطلاعات بسیاری دارید اما ما در اینجا می‌خواهیم این دانسته‌ها را به شکلی یکپارچه و متمرکز سرو سامان دهیم و در اختیار علاقه‌مندان بگذاریم.

نخست ببینیم مقاله چیست.

مقاله از جمله قالب‌های نوشتاری است که درباره موضوعی خاص فراهم می‌آید و اطلاعاتی را به شکل طبقه‌بندی شده در اختیار مخاطبان می‌گذارد.

مقاله در لغت مصدر میمی است از ریشه «قول» به معنای سخن، نوشته، کلام، گفتار و قول.

«مقاله نوشتاری کوتاه از ۱ تا ۳۰ صفحه یا فصلی از یک کتاب است که نویسنده در آن دیدگاه‌ها، یافته‌ها و تجربه‌های ذهنی خود را درباره یک موضوع به بحث می‌گذارد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۵)

حجم مقاله با توجه به خطمشی و هدف نشریه‌ای که آن را به چاپ می‌رساند، بین ۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کلمه است. مقاله‌های کوتاه ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه، مقاله‌های متوسط ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ کلمه و مقاله‌های مفصل ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کلمه‌اند. در صورت زیاد بودن حجم مقاله نویسنده می‌تواند با نظر نشریه آن را به دو یا چند بخش تقسیم کند. هر مقاله با توجه به هدف و ساختارش از سایر مقالات متمایز می‌شود. مقاله علمی که به آن «مقاله تحقیقی یا پژوهشی» هم می‌گویند، ساختاری مشخص دارد و هدف آن معمولاً ارائه یافته‌های پژوهشی تازه یا تحلیل یافته‌های پیشین است.

«مقاله تحقیقی نوشته‌ای است که محقق در آن جریان و حاصل تحقیق خود را بیان کند و لازمه‌اش آن است که حامل پیام یا نظر و دعوی یا دست‌کم بیان تازه‌ای از آن‌ها باشد.» (سمیعی، ۱۳۸۷: ۲۵)

مقاله می‌تواند حاوی یک موضوع علمی باشد یا در حد یک گزارش ساده اقتصادی، سیاسی یا ورزشی جنبه خبری صرف داشته باشد. یزدان منصوریان در کتاب «مبانی نگارش علمی» به نقل از اس. ام. هابوچ تعریف کاملی از مقاله آورده است:

«مقاله علمی نوشته‌ای موجز و منسجم است که در یک زمینه

موضوعی مشخص و به زبان رسمی تدوین می‌شود. معمولاً ساختار مقاله چندجزئی و در چارچوب یکی از الگوهای مورد تأیید مجامع علمی است. مقاله علمی باید بی‌ابهام باشد، هدف مشخصی داشته باشد، به پرسش‌های معینی پاسخ دهد، بیانگر اندیشه‌ها، یافته‌ها و دیدگاه‌های نویسنده یا نویسندگان آن باشد و به نتیجه‌ای روشن منتهی شود. مقاله از فراگیرترین ابزارهای انتشار نتایج پژوهش‌های علمی است و جایگاهی ویژه در انعکاس پیشرفت‌های علمی دارد».

امروزه به‌روزترین اطلاعات در مقاله‌ها ارائه می‌شود و سپس گزیده یا چکیده آن‌ها به کتاب‌ها و انواع منابع مرجع راه می‌یابد. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارتقای درجه دانشگاهی افراد تعداد و کیفیت مقاله‌هایی است که می‌نویسند و چاپ و منتشر می‌کنند.

برای تهیه مقاله لازم است:

۱. ابتدا موضوع مناسبی برای طرح در مقاله پیدا کنید. موضوعی که برای نوشتن انتخاب می‌کنید، باید:
 - * مهم باشد و قابلیت طرح در یک مقاله علمی را داشته باشد.
 - * تا حد ممکن تازه، غیر تکراری، جزئی و تخصصی باشد.
 - * بستر مناسبی برای بحث‌های روشن‌گر بعدی فراهم آورد.
 - * هدفی جدی و درخور توجه داشته باشد.
۲. از دانش کافی درباره موضوعی که انتخاب کرده‌اید، برخوردار باشید. بنابراین، به‌طور منظم و هدفمند مطالعه کنید و اطلاعات خود را به‌روز نگه دارید. به‌حدی که بتوانید با استفاده از اصطلاحات خاص حوزه مورد علاقه‌تان، حاصل پژوهش یا تحلیل و نقد و بررسی خود را در چارچوبی منطقی بیان کنید.
۳. به منابع اطلاعاتی دسترسی مؤثر داشته باشید تا بتوانید اطلاعات مرتبط با موضوع مقاله خود را جست‌وجو کنید.
۴. برای تدوین پیشینه پژوهش، میان منابع مورد مطالعه و دانسته‌های قبلی خود پیوند برقرار کنید.
۵. با شیوه‌های استفاده از منابع، حقوق مؤلفان و موازین اجتماعی و قانونی بهره‌گیری از آثار دیگران آشنا باشید.
۶. ساختار مقاله علمی را بشناسید.
۷. به زبان معمول و مرسوم حوزه مورد مطالعه خود احاطه کافی داشته باشید.

۸. مناسب‌ترین مجله را برای انتشار مقاله خود انتخاب کنید. از آنجا که شما در طرح مباحث و بیان مطالب در قالب مقاله محدودیت حجم دارید، باید بتوانید چارچوب مقاله خود را مشخص و موضوعتان را محدود کنید. زیرا همان‌طور که می‌دانید، حوزه‌های موضوعی و اطلاعات موجود در این حوزه‌ها بسیار گسترده‌اند و گاه این خطر وجود دارد که سفره اطلاعات را بیش از حد باز کنید و وسوسه شوید که از همه منابع، اطلاعاتی در نوشته خود بیاورید. در این صورت جمع کردن و تحلیل مطالب و در نهایت استنتاج از آن‌ها دشوار می‌شود.

راهکاری که برای جلوگیری از این مشکل می‌توان داد، نوشتن سناریویی دقیق برای مقاله است. با پیش‌بینی اندازه مقاله و همه سرفصل‌ها یا اجزاء آن، می‌توانید با چشم باز حرکت کنید و اطلاعات مرتبط را به‌قدر نیاز گرد آورید و از آن استفاده کنید. می‌توانید از منابعی که به آن‌ها مراجعه می‌کنید، یادداشت بردارید. یادداشت‌هایتان را روی برگه‌های کوچک کاغذ (یا فیش‌های مخصوص این کار) بنویسید. بهتر است روی هر برگه فقط یک مطلب نوشته شود. در نهایت، با کنار هم قرار دادن این برگه‌ها می‌توانید اطلاعات ارزشمندی از آن‌ها استخراج کنید. یادتان نرود که حتماً نقل قول‌ها را در هر برگه مشخص کنید و منابع دقیق آن‌ها را بنویسید.

هنگام یادداشت‌برداری (فیش‌برداری) از کپی کردن اطلاعات مندرج در منبع مورد مراجعه خود بپرهیزید؛ مگر در شرایطی که هدف‌تان نقل قول مستقیم باشد. در این صورت هم، عین جمله یا بند نقل شده را در گیومه بیاورید و در انتهای جمله یا بند، نام‌خانوادگی مؤلف، تاریخ نشر منبع و شماره صفحه منبعی را که از آن نقل کرده‌اید، بنویسید.

پس از مطالعه منابع مورد نظر و یادداشت‌برداری، مرحله پاک‌نویس مقاله آغاز می‌شود. می‌توانید به کمک رایانه مقاله خود را از همان آغاز تایپ کنید. به هر حال، چه گردآوری و پاک‌نویس اطلاعات را به‌صورت دستی انجام دهید چه با رایانه، برای تنظیم اطلاعات جمع‌آوری شده و نگارش مقاله لازم است به موارد زیر توجه کنید.

اصول پایه نگارش مقاله

۱. موازین علمی و اصول بدیهی همچون صداقت کلام، تفکر انتقادی و صراحت بیان را رعایت کنید؛ گردآوری داده‌ها، تحلیل، استنباط، و استناد و استنتاج و نیز نگارش مقاله باید به دور از موضع‌گیری‌های غیرمنصفانه، تعصب و غرض‌ورزی باشد. در عین حال، تعهد داشته باشید که نام منابع مورد استفاده و افراد دخیل در مقاله خود را در بخش مربوطه در پایان مقاله بیاورید یا در جای مخصوص از آن‌ها قدردانی کنید. این امر در حکم اذعان شما به مشارکت آن‌ها در نوشته‌تان است.

۲. در نگارش بی‌طرفی را رعایت کنید؛ محتوای مقاله باید بی‌طرفانه و به دور از هرگونه سوگیری غیرمنطقی باشد. ادعاهایتان را همواره بر پایه استدلال‌های محکم و یافته‌های معتبر پژوهشی بنا کنید. یادتان باشد که مقاله محل انعکاس احساسات و عواطف شخصی نیست.

۳. مخاطب مقاله خود را در نظر داشته باشید و برای او بنویسید. ۴. موجز و خلاصه بنویسید؛ از پرگویی بپرهیزید و معانی و مفاهیم مورد نظر خود را با استفاده از کمترین کلمات بیان کنید.

البته طوری که به پیام مورد نظر تان لطمه نزنند.

۵. ساده بنویسید و در نوشتن از زبان معیار استفاده کنید؛ حتی اگر موضوع مقاله شما پیچیده است، سعی کنید آن را تا حد ممکن به زبان ساده بنویسید. همان‌گونه که پیش از این گفته‌ایم، یکی از ویژگی‌های زبان علمی، سادگی آن است و از آنجا که شما در نگارش مقاله علمی از این زبان استفاده می‌کنید، به یقین سادگی و عاری بودن آن از هر نوع پیچیدگی و کژتابی را نیز به خودی خود رعایت خواهید کرد.

از جمله راهکارهای عملی برای رسیدن به زبان ساده، خودداری از نوشتن جمله‌های طولانی، استفاده از عبارت‌ها، جمله‌ها و کلمه‌های ربطی مناسب برای پیوند دادن جمله‌ها و عبارت‌ها و نیز بندها و بخش‌های مقاله، پاراگراف‌بندی صحیح، پرهیز از به‌کار بردن واژه‌های مهجور و روشن کردن موضوعات تخصصی مبهم است.

منظور از زبان معیار نیز زبان رسمی و فرهنگی کشور است که تحصیل‌کردگان از آن استفاده می‌کنند.

۶. شفاف بنویسید و از ابهام بپرهیزید؛ از جمله ابهام‌هایی که ممکن است در یک مقاله علمی وجود داشته باشد، ابهام زبانی، ابهام محتوایی و ابهام ساختاری است. ابهام زبانی ناشی از استفاده نادرست یا ناشیانه از عناصر زبانی و ناتوانی در آوردن واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌های مناسب و القای مفهوم از طریق آن‌هاست. ابهام محتوایی در نتیجه روشن نبودن موضوع مقاله برای خود نویسنده، به خواننده منتقل می‌شود. البته گاه نویسنده بر موضوع مقاله خویش احاطه کافی دارد اما نمی‌تواند آن را به‌شکلی مناسب به خواننده القا کند. ابهام ساختاری نیز نتیجه چینش ناصحیح اجزاء مقاله و نداشتن انسجام و یکپارچه نبودن آن است. به هر حال، شما به‌عنوان نویسنده باید در رفع این ابهام‌ها بکوشید.

۷. امانت‌دار باشید و حقوق نسخه‌برداری یا کپی‌رایت را رعایت کنید؛ آثار و منابعی را که در مقاله خود به هر ترتیبی از آن‌ها استفاده کرده‌اید، حتی در حد نقل یک کلمه یا ارجاع غیرمستقیم، حتماً معرفی کنید. این امر نه تنها از ارزش کار شما نمی‌کاهد بلکه بر قدر شما به سبب احترام به حقوق دیگران می‌افزاید.

۸. انتقادپذیر باشید؛ مقاله‌نویسی نوعی تعامل با مخاطبان است و شرط برقراری این تعامل آن است که شما به‌عنوان نویسنده قادر به پذیرش انتقادهای وارد بر اثر خود باشید. تنها با پذیرش منطقی و اصولی این انتقادهای و رفع اشکالات کار خود قادر به اجرای پروژه‌های موفق‌تر در آینده خواهید بود.

۹. در کار مقاله‌نویسی به نوآوری و تازگی مطالب و نیز شادابی و نشاط در بیان توجه داشته باشید.

در شماره آینده درباره قالب یا ساختار ظاهری مقاله، ارجاعات و استنادها و فهرست منابع با شما سخن می‌گوییم.



چند نکته نگارشی



۳

– با محاسبه امتیازات، میزان اعتیاد به اینترنت
آزمون‌شوندگان مشخص می‌شود.
در جمله بالا قسمت خط کشیده شده کژتابی دارد و
دلیل این کژتابی قرارنگرفتن مضاف (اعتیاد) و مضاف‌الیه
(آزمون‌شوندگان) به شکل صحیح در کنار هم است. با
تغییر چینش کلمه‌ها این عبارت به صورت «میزان اعتیاد
آزمون‌شوندگان به اینترنت» تصحیح می‌شود.
– با محاسبه امتیازات، میزان اعتیاد آزمون‌شوندگان به
اینترنت مشخص می‌شود.

۱

– پس باید چشم باز کرد و دوستان را شناسایی کرد و از میان آن‌ها
بهترین را انتخاب کرد.
در نمونه بالا سه جمله به کمک حرف ربط «و» به هم پیوند
خورده‌اند؛ درحالی که پیوند بیش از دو جمله با «و» ربط توصیه نمی‌شود.
در عین حال، در ترکیب هر سه فعل مرکبی که در این جمله‌ها به کار
رفته است، جزء «کرد» وجود دارد و این تکرار، ناخوشایند و نازیباست.
برای رفع این دو اشکال، می‌توان نخست «و» بین جمله‌های اول و
دوم را برداشت و به جای آن علامت ویرگول «،» گذاشت. در وهله
بعد نیز به جای فعل مرکب «شناسایی کرد» فعل بسیط «شناخت» و
به جای «انتخاب کرد» فعل «برگزید» را قرار داد. به این ترتیب، شکل
ویراسته جمله نمونه بالا این گونه می‌شود:
– پس باید چشم گشود، دوستان را شناخت و از میان آن‌ها بهترین
را برگزید.

۴

– در متون اهل سنت این روایت نسبت به «امسلمه»
هم نقل شده است.
در این جمله کاربرد حرف اضافه (عبارت) «نسبت به»
نادرست است و به جای آن باید «درباره» بیاوریم.
– در متون اهل سنت این روایت درباره «امسلمه» هم
نقل شده است.

۲

– علاقه مفرد دانش‌آموزان به دنیای مجازی باعث بی‌توجهی آن‌ها
به درس و به تبع افت تحصیلی‌شان می‌شود.
در این جمله کلمه «بالطبع» به معنای «طبیعتاً» و «به‌طور طبیعی»
به جای «به‌تبع» صحیح است. «تبع» به معنای پیروی و تبعیت است و
نمی‌تواند به جای «طبع» بنشیند. پس شکل ویراسته جمله بالا این گونه
است:
– علاقه مفرد دانش‌آموزان به دنیای مجازی باعث بی‌توجهی آن‌ها
به درس و بالطبع، افت تحصیلی‌شان می‌شود.

۵

– از سال قبل به این طرف که این طرح رسماً ابلاغ
شده است، ما در حال برنامه‌ریزی هستیم.
«از سال قبل» مبدأ زمانی ابلاغ شدن طرح است و
بنابراین، عبارت «به این طرف» زاید است و باید حذف
شود.
– از سال قبل که این طرح به‌طور رسمی ابلاغ شده
است، ما در حال برنامه‌ریزی هستیم.
یا:
– از سال قبل که این طرح به‌طور رسمی ابلاغ شده
است، ما برنامه‌ریزی را شروع کرده‌ایم.



در نشست «مدرسه، دغدغه‌های دیرین، دیدگاه‌های نوین، چشم‌انداز آینده» بررسی شد:

مأموریت مدرسه چیست؟

سمانه آزاد/عکاس: اعظم لاریجانی

«مدرسه، دغدغه‌های دیرین، دیدگاه‌های نوین، چشم‌انداز آینده» عنوان نشست نیم‌روزه‌ای بود که با همکاری انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، در خانه اندیشمندان علوم انسانی تهران و با حضور آقایان دکتر محمود امانی تهرانی، دکتر محمود مهرمحمدی، دکتر محمدرضا سرکارآرانی و دکتر علیرضا سببجانی برگزار شد. دغدغه‌های آموزش و پرورش، مأموریت و کارکرد مدرسه در دنیای امروز، اهمیت زمینه‌های فرهنگی در سناریوهای آموزشی و نیز اهمیت اندیشه‌ورزی آموزگاران، از جمله مباحث مطرح شده در بخش نخست این نشست بود که مشروح آن را در گزارش حاضر می‌خوانید.

مأموریت مدرسه چیست؟

دکتر امانی تهرانی با تأکید بر عنوان نشست، به دغدغه‌های همیشگی آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «همیشه در آموزش و پرورش این سؤال مطرح بوده است که مأموریت مدرسه چیست؟ امروز دوباره این سؤال مطرح شده و دلیلش هم تغییر وضعیت جامعه است. نیازها، فناوری و دغدغه‌های اجتماعی تغییر کرده و حتی امروزه موضوع خودیادگیری دانش‌آموزان و نرفتن آن‌ها به مدرسه هم مطرح است. بنابراین، باید به این موضوع اندیشید که آیا مدرسه همچنان باید با سازوکار قبلی

باقی بماند یا خیر؟ در فضای کنونی، بعد از مأموریت و کارکرد مدرسه، باید به محتوای آموزشی اندیشید که البته محتوای یادگیری الزاماً به معنای عنوان‌های دروس نیست. در چند سال اخیر، درس‌های جدیدی وارد نظام آموزشی شده‌اند. با اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی نیز عناوین درس‌های جدیدی مانند تفکر و پژوهش، سبک زندگی و کار و فناوری ایجاد شد. این تغییرات در برنامه درسی کشورهای دیگر هم دیده می‌شود. مثلاً ژاپن هر دو سه سال برنامه آموزشی خود را بازنگری کرده و در نظام آموزشی

خود تغییراتی ایجاد کرده است. در انگلستان نیز در یک دوره تحولی، که امسال بیستمین سال خود را گذرانده است، درسی با عنوان طراحی و فناوری پیش‌بینی شده است.» وی بر مبنای عنوان نشست، پرسش دیگری را نیز مطرح کرد و افزود: «به دنبال کارکردی که برای مدرسه تعریف می‌کنیم و نیز به دنبال بسترها و محتوای آموزشی، باید ببینیم در آیین مدرسه‌داری مان چه تغییراتی باید ایجاد شود؟ زمان مدرسه، کارها و آیین‌ها و مقررات مدرسه چه تغییراتی خواهند داشت؟ و مهم‌تر از همه، کنترل کیفیت و ارزشیابی چگونه خواهد بود؟»

دکتر سرکارآرانی: به گفته یکی از اندیشمندان، بسیاری از مسائل امروز ما ناشی از راه‌حل‌های دیروز است. یعنی شیوه حل مسئله در گذشته، خود به مسئله جدیدی تبدیل شده است



زندگی یعنی مسئله

دکتر سرکارآرانی یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود. وی با تأکید بر اینکه سناریوهای آموزشی در زمینه‌های فرهنگی سامان می‌گیرند، درباره پروژه تحقیقاتی خود با عنوان فرهنگ آموزش^۲ گفت:

«حوزه کاری من بررسی به اصطلاح، دی‌ان‌ای^۳ آموزشی است. به این معنی که معتقدم سناریوهای آموزشی در زمینه‌های فرهنگی سامان می‌گیرند. روش تحقیق ما در این پروژه کدینگ^۴ و دکدینگ^۵ است. یعنی کدهای فرهنگی را پیدا و سپس آن‌ها را به شکل دقیق‌تر و در ابعاد میکرو بررسی می‌کنیم. به این ترتیب، به تفاوت‌هایی پی می‌بریم و متوجه می‌شویم نکاتی که تا به حال شبیه به هم به نظر می‌رسیدند، با هم متفاوت‌اند. مثلاً با این روش متوجه می‌شویم وضعیت آموزشی مالزی و اندونزی یا ایران که تا به حال شبیه به هم به نظر می‌رسیدند، تفاوت‌هایی با هم دارند

و نقشه دی‌ان‌ای آموزشی هر یک از آن‌ها خاص خودشان است، چرا که هر یک در بستر فرهنگی متفاوتی جریان دارند».

دکتر سرکارآرانی از درس پژوهی به عنوان زمینه و بستر این کار تحقیقاتی یاد کرد و با بیان مفهوم «تاب‌آوری» افزود: «یکی از نکاتی که درس پژوهی به ما یادآور می‌شود، مفهوم تاب‌آوری است: کودک تاب‌آور، پدر و مادر تاب‌آور، خانواده تاب‌آور، معلم تاب‌آور، مدرسه تاب‌آور، محله تاب‌آور و در نهایت جامعه تاب‌آور. جوهره همه این‌ها بدان معناست که **زندگی یعنی مسئله**. وقتی می‌گوییم «شما چگونه زندگی می‌کنید؟» بدین معناست که: چگونه مسئله‌های خود را حل می‌کنید؟ چگونه با مسائل زندگی مواجه می‌شوید؟ مسائل را چگونه طبقه‌بندی می‌کنید؟ و به طور خلاصه، نحوه زندگی شما، سبک حل مسئله شماست».

وی ادامه داد: «البته پیش از این‌ها باید به این سؤال پاسخ داد که مسئله چیست و چه تفاوتی با مشکل دارد؟ گاهی اوقات ما با جابه‌جایی مسائل زندگی مان گمان می‌کنیم آن‌ها را حل کرده‌ایم. گاهی اوقات هم گمان می‌کنیم مسئله را حل کرده‌ایم، در حالی که مسئله جدیدی ایجاد کرده‌ایم. به گفته یکی از اندیشمندان، بسیاری از مسائل امروز ما ناشی از راه‌حل‌های دیروز است. یعنی شیوه حل مسئله در گذشته، خود به مسئله جدیدی تبدیل شده است.» سرکارآرانی افزود: «باید یادآور شد که در بحث تاب‌آوری، تعلق اجتماعی تأثیر مهمی دارد؛ چرا که سازه‌های اجتماعی ضعیف، تاب‌آوری ضعیفی دارند. برای اینکه

بتوانیم تنش‌ها را به شکل معقولی مدیریت کنیم، به سازه‌های اجتماعی قوی نیاز داریم. آنچه سازه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را به هم پیوند می‌دهد، تعلق اجتماعی است. بنابراین، تعلق اجتماعی مسئله نخست مدرسه‌های امروز و فرداست».

دکتر سرکارآرانی نوع مأموریت و کارکرد مدرسه را به انتظار ما از چگونگی جامعه وابسته دانست و گفت: «در جهان امروز، پیش از آنکه این پرسش را مطرح کنیم که مأموریت مدرسه چیست و باید چه کاری انجام دهد، باید پرسیم چه جامعه‌ای می‌خواهیم؟ تا تکلیفمان در مورد نوع جامعه مشخص نباشد، مأموریت و کارکرد مدرسه مشخص نمی‌شود. مثلاً در فنلاند هیچ‌وقت برای موفقیت دانش‌آموزان در آزمون‌های تیمز و پرلز برنامه‌ریزی نکرده‌اند. به گفته یکی از مسئولان آموزشی این کشور، تمام دغدغه آن‌ها این است که بدانند برای داشتن جامعه‌ای که در آن همه مردم خوشبخت باشند چه مدرسه‌ای لازم است؟ حال در این رهگذر، موفقیت در آزمون‌هایی مانند تیمز و پرلز هم خواهناخواه به دست می‌آید. می‌بینید که این نگاه و سطح نزاع با نگاه و سطح نزاع ما متفاوت است. سطح نزاع است که مشخص می‌کند شما در چه نقطه‌ای ایستاده‌اید. سطح نزاع است که به ما می‌گوید اکنون مالزی یا کره جنوبی یا اندونزی در چه نقطه‌ای ایستاده‌اند. ۲۸ سال پیش مالزی دانشجو به اندونزی می‌فرستاد، اما امروز در مالزی هر جا که پا می‌گذارید، دانشجوی اندونزیایی می‌بینید. یعنی این کشور در حال حاضر سطح نزاع متفاوتی را تجربه می‌کند».

دکتر امانی: همیشه در آموزش و پرورش این سؤال مطرح بوده است که مأموریت مدرسه چیست؟ امروز دوباره این سؤال مطرح شده و دلایل هم تغییر وضعیت جامعه است





دکتر سبجانی: اگر معلمان ما اندیشه‌ورز نشوند، هیچ اتفاقی در سطوح بالای آموزش و پرورش نمی‌افتد

دکتر سرکارآرانی: تا تکلیفمان در مورد نوع جامعه مشخص نباشد، مأموریت و کارکرد مدرسه مشخص نمی‌شود

درسمان بسته است و امکان ورود به کلاس وجود ندارد. به همین دلیل، ما بصیرت لازم را نسبت به اتفاقات معمول مدرسه پیدا نمی‌کنیم. از همین رو نمی‌توانیم وضع موجود را نقد کنیم و در نتیجه ایده جدیدی هم تولید نمی‌شود و تصمیم‌گیری درستی هم انجام نمی‌گیرد».

دکتر سبجانی درباره اهمیت اندیشه‌ورزی آموزگاران نیز گفت: «من تصور می‌کنم اگر معلمان ما اندیشه‌ورز نشوند، هیچ اتفاقی در سطوح بالای آموزش و پرورش نمی‌افتد. پژوهشگاه‌های آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی نتوانسته‌اند به این دغدغه پاسخ دهند و این مشکل را حل کنند، اما امیدواریم این نگاه میکرو که دکتر سرکارآرانی از آن سخن گفتند، در ایران هم رونق پیدا کند. ما باید در کلاس‌ها را باز کنیم و مشکلات را از درون کلاس‌ها ببینیم، چرا که تا وقتی نسبت به معلم و کلاس بصیرت پیدا نکنیم، امکان تغییر و بهبود ضعف‌ها پیش نخواهد آمد».



دکتر مهرمحمدی: آموزش و پرورش کشور بیش از آنکه فقر مالی، مادی و تجهیزاتی داشته باشد، با فقر فکر و اندیشه مواجه است

- پی‌نوشت
1. contexts
 2. culture of teaching
 3. DNA
 4. coding
 5. decoding
 6. micro

از منظر فرهنگی به حالت تعلیق درمی‌آوریم. یعنی تحول را به تحول در نگرش جامعه نسبت به مقوله تربیت موقوف می‌کنیم. این هم حرف درستی است، اما اگر قرار باشد با اتکا به این گزاره درست و دقیق، تحول در آموزش و پرورش را به حالت تعلیق درآوریم و صورت مسئله تحول را پاک کنیم، ره به ناکجا آباد می‌بریم».

دکتر مهرمحمدی سخنان خود را با این پرسش به پایان رساند که: «اگر موقوف کردن تحول در آموزش و پرورش به توسعه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، پاک کردن صورت مسئله است، پس نقطه عزیمت ما برای تحول باید کجا باشد؟ آیا نقطه عزیمتی متصور است؟ این دور باطل باید از کجا شکسته شود؟ در کشورهای مانند ژاپن و فنلاند چه مجموعه سیاست‌ها و تدابیری در نظام آموزشی اندیشیده شد که امروزه این کشورها توانسته‌اند راه تحول را در پیش گیرند؟»

معلمان اندیشه‌ورز، پیشگام تحول

دکتر سبجانی به عنوان آخرین سخنران این جلسه نیز دغدغه‌های آموزش و پرورش را دیرین و جهانی توصیف کرد و گفت: «دغدغه‌های آموزش و پرورش هم دیرین هستند و هم جهانی. در همه جای جهان از مدرسه‌هایشان ناراضی هستند و گمان می‌کنند باید کاری بیش از وضع موجود انجام دهند؛ البته سطح نزاع‌ها در کشورهای گوناگون متفاوت است».

وی ادامه داد: «به گمان من، نقطه آسیب‌پذیر ما همین جاست که از نگاه میکرو محرومیم، چرا که درهای کلاس‌های

ضرورت ارتقای سطح اندیشه‌ورزی در آموزش و پرورش

نقطه آغاز تحول در آموزش و پرورش نیز موضوعی بود که دکتر مهرمحمدی در سخنانی به آن پرداخت و گفت: «من باور دارم، آموزش و پرورش کشور بیش از آنکه فقر مالی، مادی و تجهیزاتی داشته باشد، با فقر فکر و اندیشه مواجه است. بحث‌هایی نظیر آنچه اینجا مطرح می‌شود، نشان از آن دارد که ما باید به این ضعف‌ها به‌طور جدی بپردازیم و بکوشیم سطح اندیشه‌ورزی در آموزش و پرورش ارتقا یابد. شاید برای اینکه به اندیشه‌های خوب دسترسی پیدا کنیم، باید ارتباطمان را با واقعیت‌های کلاس درس و مدرسه بیشتر کنیم. البته قرار گرفتن در معرض اندیشه‌هایی که در آموزش و پرورش کشورهای دیگر جاری و ساری است نیز می‌تواند راهبرد دیگری در این زمینه باشد».

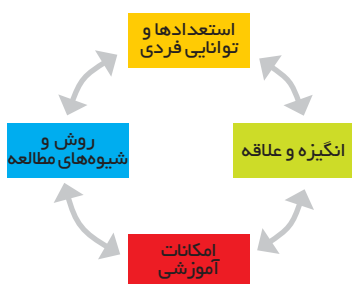
وی در ادامه درباره نقطه آغاز تحول در آموزش و پرورش نیز گفت: «گاهی ایجاد تحول در آموزش و پرورش را به ایجاد تحول در اقتصاد جامعه موقوف می‌کنیم. این بدان معنی است که تا وقتی اقتصاد متحول نشود، آموزش و پرورش نمی‌تواند توسعه پیدا کند و به کیفیت مطلوب برسد. بنابراین، اگر می‌خواهیم آموزش و پرورش به کمال برسد و ترقی کند، باید ابتدا تحول اقتصادی ایجاد شود تا منابع مالی را به نظام آموزشی تزریق کنیم. از سوی دیگر، برخی معتقدند تحول اقتصادی به تحول در آموزش و پرورش و نیروی انسانی کشور وابسته است. به این ترتیب، دور باطلی ایجاد می‌شود و موضوع تحول در آموزش و پرورش به حالت تعلیق درمی‌آید».

گاهی نیز تحول در آموزش و پرورش را

راهنبرد یادگیری و مطالعه روش مردر

دکتر نیره شاه‌محمدی

همان‌طور که گفته شد، آموزش راهبردهای مطالعه و یادسپاری و آشنایی با حافظه و فرایندهای دریافت و پردازش و نگهداری و بازیافت اطلاعات و یادگیری روش‌های صحیح مطالعه در موضوعات درسی و یادداشت‌برداری از مطالب خواندنی، می‌تواند امکان بهره‌برداری بهتر از ایام تحصیل را برای دانش‌آموزان فراهم سازد، علاقه و انگیزه یادگیری را در آن‌ها افزایش دهد و از افت تحصیلی نیز جلوگیری کند.



شکل ۱. عناصر لازم برای یادگیری آموزشی



شکل ۲. مراحل روش مردر

خواندن و مطالعه از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین فعالیت‌های متعالی انسان است که در زندگی فرد و ایجاد و پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش اساسی دارد. دانشمندان و متخصصان تعلیم و تربیت چهار شرط کلی را برای یادگیری کلاسیک و آموزشی افراد و به عبارتی درس خواندن، لازم و ضروری می‌دانند (هاشمی، ۱۳۷۳) (شکل ۱): استعداد و توانایی فردی، انگیزه و علاقه، امکانات آموزشی و روش و شیوه‌های مطالعه. یکی از مهم‌ترین این شرط‌ها، روش و شیوه‌های یادگیری و مطالعه به روش‌های علمی و اصولی مطالعه یک کتاب یا به‌طور کلی شیوه صحیح و سازمان یافته و منسجم درس خواندن است.

در روان‌شناسی یادگیری، برای آموختن مطالب و درس خواندن، روش و شیوه‌های خاصی وجود دارد که با توجه به نوع استفاده، هدف مطالعه و زمان مورد نظر، به افراد کمک می‌کند چگونه اطلاعات را کسب و در حافظه ذخیره کنند و به‌موقع آن‌ها را به یاد آورند. روش و شیوه یادگیری و مطالعه در پیشرفت تحصیلی و در خواندن و درک مطلب تأثیر بسزایی دارد (Good, 1987). با تمرین می‌توان عادات و روش‌های درست مطالعه را ملکه ذهن کرد.

یکی از روش‌های مطالعه، روش مردر^۱ نام دارد. مردر از حروف اول لاتین کلمات شش مرحله این روش تشکیل یافته است.

حال و هواداشتن

منظور از حال و هوای آن است که پیش از شروع مطالعه و یادگیری، اطمینان حاصل کنید دانش آموزان حال و هوای یادگیری را دارند؛ یعنی سر حال و آماده یاد گرفتن هستند و تا پایان آموزش این حالت را حفظ می کنند. بکوشید با ایجاد حالت آرمیدگی عضلانی^۳ در دانش آموزان، اضطراب احتمالی را از آنان دور و افکار مثبت را بارور سازید. به طور کلی، در مرحله حال و هوای باید زمینه را برای مطالعه مؤثر دانش آموزان آماده کنید.

درک کردن و فهمیدن

در مرحله درک و فهم^۴ به دانش آموزان کمک کنید تا آنجا که ممکن است مطالب را به طور عمیق درک کنند، از کم و کیف درک و فهم خود آگاه شوند و بخش هایی را که خوب نمی فهمند، با علامت گذاشتن مشخص کنند تا در مراحل بعدی دوباره به سراغ آن ها بروند.

با بهره گیری از روش های زیر، می توانید مهارت درک مطلب را در دانش آموزان افزایش دهید؛ از آن ها بخواهید:

- اطلاعات عمومی خود را افزایش دهند. با خواندن کتاب، روزنامه و مجله، اطلاعات عمومی خود را گسترش و به رویدادهای اطراف علاقه نشان دهند.

- با ساختار بند آشنا شوند. معمولاً هر بند با مقدمه ای شروع و با نتیجه ای پایان می یابد. غالباً اولین جمله به توصیف کلی مطلب می پردازد و زمینه را برای توضیح بیشتر فراهم می کند. پس به جملات اول هر بند بیشتر توجه کنند تا بتوانند موضوع بحث را بهتر تشخیص دهند. همچنین، به دنبال نشانه ها، کلمات و عباراتی باشند که تغییر موضوع مورد بحث را نشان می دهند.

- حدس بزنند و پیش بینی کنند. خواننده باهوش و زرنگ همیشه می کوشد نظرات نویسنده، سؤال ها و موضوع های بعدی را حدس بزند. این کار باعث کنجکاوی و افزایش دقت او می شود.
- به شیوه تنظیم مطالب توجه کنند. آیا مطالب براساس ترتیب زمانی نوشته شده اند یا براساس درجه اهمیت؟ ترتیب مطالب براساس کاربرد آن هاست یا براساس دشواری آن ها؟ پاسخ به این سؤالات به تنظیم مطالب در ذهن کمک می کند.

- در خود انگیزه و علاقه ایجاد کنند. پیش از آنکه مطلبی درس داده شود، نگاهی گذرا به آن بیندازند. سؤالاتی در مورد آن از خود بپرسند و با هم کلاسی ها در مورد آن صحبت کنند. هر چه انگیزه و علاقه بیشتر باشد، درک نیز بهتر خواهد شد.

- به نکاتی که به فهم مطلب کمک می کند توجه کنند. به

عکس ها، نمودارها، جدول ها و سرفصل ها توجه کنند. اولین و آخرین بند هر بخش را بخوانند.

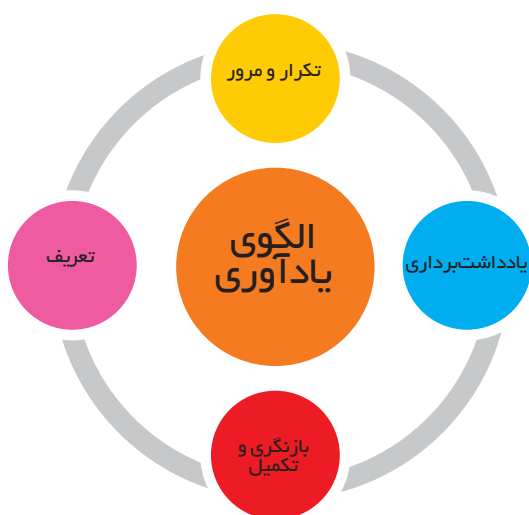
- مطالب را خلاصه نویسی و دوره کنند. یک بار خواندن کتاب هیچ گاه کافی نیست. برای فهم عمیق تر باید زیر مطالب مهم را خط بکشند، خلاصه و دوره کنند.

- با تمرکز و توجه کامل مطالعه کنند. خواننده خوب همیشه با تمرکز و توجه کامل مطالعه می کند و هیچ مطلبی را نخوانده باقی نمی گذارد. پس تا موضوعی را کاملاً نفهمیده اند، به سراغ موضوع بعدی نروند (www.kanoon.ir).

یادآوری

از دانش آموزان بخواهید آنچه را که در مرحله قبل خوانده و فهمیده اند به یاد آورند^۵. به آن ها کمک کنید از راهبردهای تفسیر، تخیل و تحلیل مفاهیم استفاده کنند. در این مرحله، یادگیرنده نه تنها آنچه را که خوانده است به یاد می آورد، بلکه آن را از طریق تفسیر، تخیل و تحلیل، به مفاهیم کلیدی تغییر شکل می دهد.

برای اینکه دانش آموزان مطالب خوانده شده را در حافظه بلندمدت خود ذخیره کنند و برای مدت های طولانی، بدون مراجعه به اصل کتاب، کل مطلب را به یاد داشته باشند و در مواقع لزوم با صرف وقت کمتر به یاد بیاورند، می توان از روش خلاصه کردن و الگوهای یادآوری استفاده کرد.



شکل ۳. مراحل الگوی یادآوری

بسط و گسترش دادن

از دانش‌آموزان بخواهید مطالبی را که خوانده‌اند بسط و گسترش^۶ دهند. یعنی به آن‌ها شاخ و برگ دهند و آن‌ها را به مطالبی که قبلاً آموخته‌اند ربط دهند. به عبارت دیگر، سؤالاتی نظیر سؤالات زیر از خود بپرسند:

– اگر به نویسندگان دسترسی داشتید چه سؤالاتی از آن‌ها می‌پرسیدید؟

– چگونه می‌توانید از اطلاعاتی که کسب می‌کنید در عمل استفاده کنید؟

– چگونه می‌توانید مطالبی را که می‌خوانید برای کسان دیگر قابل فهم‌تر و قابل توجه‌تر سازید؟

استفاده از تصویرسازی ذهنی، روش مکان‌ها، کلمه کلید و سرواژه‌ها، مختص گسترش مطالب ساده و پایه است و یادداشت‌برداری و قیاس کردن نیز از جمله راهبردهای گسترش ویژه مطالب پیچیده است.

مرور و پاسخ دادن

مرور و پاسخ دادن^۸ آخرین مرحله^۹ روش مرور است. هدایت دانش‌آموزان به‌منظور مرور کردن مطالب خوانده شده به قصد تعیین کم‌وکسرهای احتمالی یادگیری و کوشش برای رفع نواقص، از مراحل مهم همه روش‌های یادگیری از جمله روش حاضر است. توجه داشته باشید، فعالیت اصلی مرور کردن، به یادآوردن آموخته‌ها، توجه به نکات مهم، سعی در پاسخ‌دادن به سؤال‌های قبلاً طرح‌شده، و تمرکز کردن بر هدف‌های یادگیری است (www.kanoon.ir).

مرحله مرور کردن معمولاً پس از آنکه دانش‌آموزان در امتحان یا آزمون مطلبی که خوانده‌اند، شرکت کردند، انجام می‌شود. نتایج آزمون باید به‌صورت بازخورد در مورد اثربخشی مراحل قبلی استفاده شود. هدف عمده این مرحله از یادگیری باید رفع نواقص راهبردهای مطالعه برای کاربردهای بعدی باشد.

دانش‌آموزان لازم است بدانند بهترین شیوه مرور، که مطالب را قطعاً در حافظه بلندمدت قرار می‌دهد، این است که هر مطلبی را که می‌خوانند فردای آن روز، سپس هفته بعد و در آخر یک ماه بعد مرور کنند. برای رسیدن به این نحوه مرور باید برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند و کارهایی را انجام دهند:

✓ در صورتی که در کلاس شرکت می‌کنند، حتماً همان روز مطالب را مرور کنند.

اصل الگوهای یادآوری عبارت است از درک مطلب و متن خوانده شده و نوشتن آن به‌صورت کلمات کلیدی. این کار که همان خلاصه‌نویسی است، در هنگام مطالعه سبب افزایش تمرکز حواس و مانع از خواب‌آلودگی می‌شود. همچنین، قدرت به یادسپاری مطلب را بالا می‌برد. خلاصه‌نویسی و الگوهای یادآوری چند مرحله دارد (شکل ۳):

(الف) یادداشت‌برداری: در یادداشت‌برداری نکات به‌صورت اصلی و فرعی نوشته می‌شوند. برای این کار از دانش‌آموزان بخواهید موضوع اصلی مورد بحث را بنویسند و هر مطلب مربوط به آن را به‌طور منظم روی شاخه‌های اصلی و فرعی یادداشت کنند. در اینجا از جمله‌نویسی بهره‌مند و از کلمات کلیدی استفاده کنند. با توجه به اینکه یادداشت‌برداری و خواندن دو عمل مجزا هستند و هر یک کار فیزیکی متفاوتی دارند، از خواندن توأم با نوشتن پرهیز کنند، زیرا در کار مغز اختلال ایجاد می‌کند.

(ب) بازنگری و تکمیل: پس از پایان مبحث خوانده شده و خلاصه‌نویسی آن، دانش‌آموزان را راهنمایی کنید الگوهای یادآوری را بررسی، کامل و مرتب کنند. بهتر است کلمات کلیدی با هم ارتباط بیشتری داشته باشند.

(ج) تعریف: بعد از اجرای دو مرحله قبل، دانش‌آموزان باید متن اصلی را کنار بگذارند و با نگاه کردن به الگوهای یادآوری و کمک گرفتن از اطلاعات موجود در مغز، آنچه را یاد گرفته‌اند با صدای بلند توضیح دهند. این مرحله مغز را پویا و فعال خواهد کرد.

(د) تکرار و مرور: مرور و یادآوری از فراموشی جلوگیری می‌کنند.

کشف و هضم کردن

در مرحله کشف و هضم^{۱۰} از دانش‌آموزان بخواهید به قسمت‌هایی که در مرحله حال‌وهوا داشتن خوانده‌اند و نفهمیده‌اند، مراجعه کنند و بکوشند آن‌ها را یاد بگیرند. آن‌ها باید آنچه را جا گذاشته‌اند یا غلط فهمیده‌اند و نیز نحوه سازمان‌بندی مطالب را کشف کنند. دانش‌آموزان را راهنمایی کنید این بار از راهبردهای دیگری به‌جز آنچه قبلاً به کار بسته‌اند، استفاده کنند. مطالب پیچیده را به اجزای ساده‌تر تجزیه کنند و از منابع معتبر مانند فرهنگ لغت و کتاب‌های دیگر کمک بگیرند.

- ✓ از زمان‌های مرده مثل مسیرهای رفت و برگشت و... استفاده کنند و یادداشت‌هایشان را مرور کنند.
- ✓ از یادداشت‌ها، خلاصه‌نویسی‌ها و کتاب‌های کمک آموزشی برای مرور مطالب بهره ببرند.
- ✓ تست زدن از روی کتاب‌های معتبر، با مطالعه پاسخ تشریحی، خود نوعی مرور است.
- ✓ از هر روش مفید و در هر زمانی برای مرور استفاده کنند.
- ✓ حین مطالعه، مدت زمانی را که مطالعه هر مبحث طول می‌کشد، ابتدای آن بنویسند تا در زمان جمع‌بندی بدانند نسبتاً چه زمانی برای مرور مطلب نیاز دارند.

اثر بخشی روش مرور

برنامه‌های آموزشی مبتنی بر روش مرور به افزایش توانایی کسب و استفاده از دانش در دانش‌آموزان کمک می‌کند. دانش‌آموزان با استفاده از این روش می‌توانند زمان خود را مدیریت کنند. اکثر دانش‌آموزان از کمبود وقت در برابر حجم زیاد مطالب شاکی هستند. مدیریت زمان این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کند که از وقت خود بهترین بهره را ببرند. به یاد داشته باشید، داشتن برنامه منظم کمک می‌کند کارها از پیش تنظیم شوند و هر کاری به‌موقع انجام شود تا نگرانی‌های بی‌موقع کاهش یابد. برنامه مطالعه باید با دیدی واقع‌بینانه طرح‌ریزی شود، یعنی مقدار زیادی کار برای مدتی محدود تلنبار نشود. برای کارهای فوق‌العاده نیز باید وقت خاصی منظور شود. به‌خاطر داشته باشید، برای مطالبی که یادگیری‌شان سخت است وقت بیشتری تخصیص داده شود.

برای ایجاد حال و هوای مطالعه در دانش‌آموزان، لازم است تمرکز آن‌ها را روی موضوع مورد مطالعه افزایش دهیم. نداشتن تمرکز یکی از شکایات اصلی دانش‌آموزان است. تمرین‌های متعددی در زمینه افزایش تمرکز وجود دارد. برای مثال از دانش‌آموزان بخواهید هر وقت افکارشان پریشان می‌شود و به موضوعی غیر از آنچه باید فکر می‌کنند، به خود نهیب بزنند برگرد اینجا. اگر این کار در اثر تمرین متوالی به‌صورت عادت درآید، به‌تدریج می‌توان نتایج آن را مشاهده کرد. روش دیگر برای افزایش تمرکز، پرداختن به نگرانی‌هاست. یعنی وقت خاصی از روز را برای غصه‌ها و اندیشیدن به مسائلی که موجب نگرانی و حواس‌پرتی می‌شوند اختصاص دهیم. علاقه به موضوع مورد مطالعه، یکی از علل مهم ایجاد تمرکز و دقت در حین مطالعه است. بدون شک چنانچه دانش‌آموزان از ابتدای شروع آموزش‌های رسمی بیاموزند که چگونه برای تحقق حداکثری یادگیری

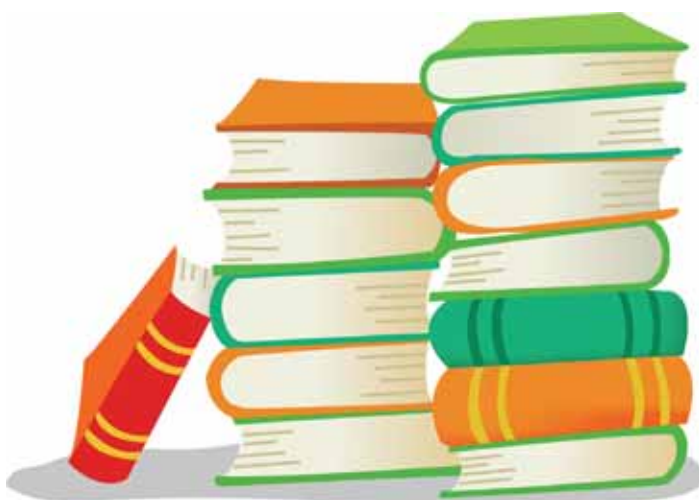
مطالعه کنند و چگونه خود را برای شرکت در امتحانات آماده سازند، صرفه‌جویی کلانی در آموزش و پرورش انجام می‌گیرد و دانش‌آموزان نیز موفق خواهند شد از سرمایه‌های خدادادی خویش بهتر بهره ببرند.

پی‌نوشت

1. MURDER
2. Mood
3. relaxation
4. Understand
5. Recal
6. Detect
7. Expansion
8. Review

منابع

۱. گلستان هاشمی، س. م (۱۳۷۳). اصول و روش‌های علمی مطالعه. اطلاعات علمی. سال هشتم، شماره ۷.
2. Good, C. (1987). "Dictionary of Education". 3rd. ed, NewYork.
3. www.kanoon.ir/Public
۴. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷). روش‌های یادگیری و مطالعه. نشر دوران.



آموزش و پرورش دربرگیرنده همه؛ چرا؟

آموزش و پرورش فراگیر

دکتر ابوالفضل سعیدی

عضو بازنشسته هیئت علمی
پژوهشگاه آموزش و پرورش

کدام حیات بخشی معنوی است که به آموزش و پرورش نیازمند نباشد؟ نکته بسیار ستودنی در این آیه آن است که خداوند مهربان این حکم خود را به هیچ گروهی از انسان‌ها محدود نکرده است، چرا که به جای واژه‌های مؤمن، مسلم، مرد، زن، باهوش یا هر واژه دیگری که دال بر مقید بودن این حکم باشد، از واژه «نفس» بهره گرفته که به معنای هر فرد از نوع انسان است، بدون هیچ اختصاصی. در پایان آیه، به نکوهش پیشینیان می‌پردازد که این راهنمایی‌های الهی را شنیدند، اما به اسراف روی آوردند و زیاده‌روی کردند. این پیام بسیار ارزشمند، متولیان آموزش و پرورش (یعنی ما معلمان و مدیران) و مدیران جامعه را آگاه می‌سازد که راه درست بهره‌مندی از احاد انسان‌ها حذف ناتوانان آنان نیست، بلکه حیات بخشیدن به همه انسان‌ها از طریق مناسب است.

به نظر می‌رسد این ارزشمند تلقی کردن تک‌تک انسان‌ها در قرآن، به سبب آن فطرتی است که از عصاره خوبی‌ها، یعنی روح الهی، در درون آنان دمیده و گوهر باقی و ارزشمند وجودشان شده است؛ همان فطرتی که دین الهی بر آن استوار شده است و خدا به پیامبر می‌فرماید: رویت را به سوی آن دین (روش) پاک بگردان که بر پایه فطرت است؛ همان فطرتی که خداوند مردم را بر آن آفریده است و تبدیل‌پذیر نیست. چون این فطرت اصل وجود انسان‌هاست، پس احاد آدمیان پاک و پرورش‌پذیرند و پرورش نادرست آنان را گمراه می‌سازد. چنان‌که پیامبر مهربان (ص) می‌فرمودند: هر کودکی بر فطرت الهی به دنیا می‌آید، اما پدر و مادرش او را مسلمان، یهودی، نصرانی یا مجوس بار می‌آورند. به همین دلیل می‌فرماید: هر کس کسی را که با کاستی در جسم یا دریافت دانش روبه‌روست یاری کند تا در مسیر جریان حق در هستی پیش رود، خدا نیز در سختی‌های انتقال به جهان آخرت او را یاری خواهد داد.

پیامبر اسلام که درود خدا و خلق بر او باد، خود اسوه این احیاست. مرد نابینایی در مسجد به حضور آن حضرت شرفیاب شد و درخواست نمود که از حضور در نماز جماعت (یعنی مشارکت در برنامه‌های سرنوشت‌ساز مرکز حکومت اسلامی در زمان خود)

جست‌وجوی دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (بحارالانوار، ج ۱: ۱۷۷).

گاهی پنداشت ما از این گفته آن پیامبر پاک‌نهاد (ص)، آن است که این واجب تنها بر کسانی حکم شده است که از استعداد بالایی برخوردارند و بر دیگران وظیفه‌ای نیست. بدتر این است که تصور شود کارگزاران آموزش و پرورش را نیز در مورد این افراد، یعنی افراد بی‌استعداد، وظیفه‌ای بر دوش نیست. چنین پنداشتی معلمان و مدیران و سایر کارگزاران آموزش و پرورش را از درگیری ذهنی و تلاش برای دستیابی همه کودکان و نوجوانان و بزرگسالان جامعه خود به آموزش و پرورش عالی معذور می‌دارد و آنان را به جای کنکاش برای یافتن راه‌های مناسب‌تر آموزش و پرورش عمومی، به کوره راه یافتن راه‌هایی برای تعیین آنانی که استعداد کافی ندارند می‌کشاند. این راه به نخبه‌پروری و فراموش کردن اکثریت مردم منتهی می‌شود. این روش که سال‌ها بر آموزش و پرورش کشورها حاکم بود، از دهه ۶۰ میلادی با تردید برخی از اندیشمندان آموزش و پرورش و علوم رفتاری و برخی از پدران و مادران دارای کودکان متفاوت (یا به‌ظاهر نخبگان) روبه‌رو شد و مسیر آموزش و پرورش را در کشورهای پیش‌تاز صنعتی تغییر داد.

البته با پیشینه باورهایی که در دین ما مسلمانان وجود داشته است، انتظار می‌رفت این تغییر از سرزمین‌های اسلامی آغاز شود، چرا که اگر این اندیشه‌ها با ریزبینی کاوش می‌شد، به همان نتیجه منجر می‌گشت. در این سطور، قصد پرداختن به این مبانی را داریم تا بیگانه نبودن این پنداشت نو با فرهنگ خودی را باور کنیم و با انگیزه سرفرازی دوباره آموزش و پرورش سرزمین اسلامی خود، تلاشمان را به کار بریم.

به استناد آیه ۳۲ سوره مائده در قرآن مجید، ارزش حیات بخشیدن به هر فرد با حیات بخشیدن به تمامی مردم، از آغاز هستی تا پایان آن، برابر دانسته شده است. مفسران به درستی این حیات بخشی را فقط جسمانی قلمداد نکرده‌اند، بلکه بیشتر ناظر بر حیات بخشی معنوی تلقی نموده‌اند.

معذورش بدارد، اما پیامبر بر وجوب حضور وی در امور جماعت تأکید کرد و فرمود با کشیدن ریسمانی از الیاف درخت خرما از در منزل آن نابینا تا مسجد، زمینه حضور وی را تسهیل کنند (رجوع کنید به خصائل شیخ صدوق، ج ۱: ۳۰) و این همان روشی است که امروز به توان بخشی مبتنی بر جامعه مشهور شده است. نکته جالب آن است که پیامبر نپسندید عزت نفس آن نابینا، حتی با کمک گرفتن از دیگران - که بدون تردید حاضر بودند به احترام دستور پیامبر انتقال آن مرد نابینا به مسجد و خانه را به عهده گیرند - خدشه دار شود.

اکنون سؤال این است که ما به عنوان پیروان راه پاک الهی و کسانی که جانشینی انبیا (معلمی) را انتخاب کرده ایم، تا چه میزان با کودکان و نوجوانان و دیگر مردم برخوردی همچون برخورد پیامبر گرامی اسلام داریم؟

آیا ما از آن دسته معلمان و مدیرانی نیستیم که تا با دانش آموزی که کاستی های هوشی، جسمی یا رفتاری دارد روبه رو می شویم که انجام وظایفمان را دشوار می کند، بی تأمل به دنبال راه و بهانه ای می گردیم که او را از سر راه خودمان برداریم تا بتوانیم با دانش آموزانی که مشکلی ندارند و می پنداریم به درد درس خواندن می خورند کار کنیم تا در نتایج شگرف پیشرفتشان شریک باشیم؟ آیا دقایقی به آینده آنان که به بهانه هایی از شرشان خلاص می شویم اندیشیده ایم؟ آیا در مقابل آنان مسئول نیستیم؟

البته منظورم این نیست که هیچ یک از معلمان ما دغدغه خاطری در مورد این گروه از افراد جامعه ندارند، اما کم نیستند معلمان و کارگزارانی در آموزش و پرورش که هنگام روبه رو شدن با دانش آموزان مشکل دار و مشکل ساز به حذف آنان یا دست کم جداسازی آنان از جریان عادی تحصیل می اندیشند. چنین دیدگاهی در آموزش و پرورش به پیروزی شمار اندکی از افراد (یعنی آنان که استعداد بیشتری در گذراندن روال مرسوم آموزش و پرورش دارند یا همان به اصطلاح نخبگان) و شکست انبوهی از جمعیت کشور منجر می شود؛ نتیجه ای که مخالف هدف های آموزش و پرورش همگانی، یعنی دستور پیامبرمان (ص) است. اگر به فرموده ایشان، که همان فرمان الهی است، فراگیری علم بر همگان واجب است، پس نظام های آموزش و پرورش کشورهای اسلامی باید کاری کنند که انجام این واجب همانند به جا آوردن نماز برای همگان آسان شود، نه آنکه عده ای را از چرخه فراگیری حذف یا منزوی کنند. باید همان گونه عمل کرد که پیامبر برای آن فرد نابینا کرد.

نکته دیگر در این زمینه تأکید دین ما بر ایجاد وحدت در امت اسلامی است: «به ریسمان الهی چنگ زنید و از گرد آن پراکنده نشوید... این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما آشکار می سازد تا شاید هدایت یابید» (آیه ۱۳، سوره آل عمران).

پرسش این است که اگر ما گروهی از افراد امت اسلامی را به

بهانه متفاوت بودن از پیکره تربیتی جامعه جدا سازیم، آیا در آن ها حس یکی بودن با امت و تعلق داشتن به آن را از میان نمی بریم؟ کودک، نوجوان یا حتی بزرگ سالی که در مدرسه محله خود و در کنار کودکان همسایه در اتاق درس جایی برای خود نمی یابد و خدای ناکرده همسالان، معلمان، مدیران و گاه حتی والدین او را تحقیر و تمسخر می کنند، هرگز می تواند حس یگانگی و تعلق داشتن به امت را بچشد و خود را در برابر این جامعه مسئول بداند؟ آیا با این روش های حذف و جداسازی، او را برای غیراجتماعی شدن و گاه ضداجتماعی شدن تربیت نمی کنیم؟ اجتماعی شدن و به رنگ فرهنگ درآمدن به احساس تعلق نیاز دارد که جداسازی و جداسازی، کنشی مقابل آن را در پی دارد. برای ایجاد حس یگانگی با امت در افراد، راهی جز پذیرش و همراه گرداندن محبت آمیز آنان با جامعه وجود ندارد. پس باید افراد متفاوت را با محبت در میان خود بپذیریم و به جای مانع تراشیدن در مسیر پیشرفتشان، راه را برایشان هموار سازیم. در واقع، سامانه آموزش و پرورش باید خود را با تفاوت های مردم انطباق دهد، نه آنکه مردم را با قالب های از پیش تعیین شده خود از یکدیگر جدا سازد، چرا که خداوند مردم را متفاوت آفریده و به این تفاوت ها نیز مفتخر است، چون براساس حکمت الهی نیازهای جامعه را پوشش می دهد. خداوند می فرماید: ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و در گروه ها و اقوام قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به درستی که با ارزش ترین شما نزد خدایتان پرهیزگارترینتان است. به درستی که خداوند دارای نهایت دانش و آگاهی است (آیه ۱۳، سوره حجرات).

و به همین دلیل است که مردم را از عیبجویی و تمسخر یکدیگر برحذر می دارد: «وای بر هر عیبجوی تمسخرکننده» (آیه ۱، سوره هُمَزَه).

و پیشوایانش راه نجات ما را در یاری رسانی و توانمندسازی آنان که متفاوت و ضعیف ترند دانسته است: «هر کس کسی را که در دریافت و فراگیری دانش ضعیف است یاری دهد و در برابر دشمنان دین و دانشجویان باطل به او نشانه های الهی را بفهماند، خداوند در سختی های مرگ او را یاری می کند تا بر یگانگی او و پیامبری حضرت محمد (ص) و آنچه به این دو باور مربوط است گواهی دهد و باور داشته باشد تا بیرون رفتنش از این دنیا و بازگشتش به خداوند بلندمرتبه با بهترین کارها و برترین حالاتش باشد و در این مسیر با شادی و بوی خوش گل ها این پیام خوش را دریافت می دارد که پروردگارش از او راضی و بدون خشم است (بحارالانوار، ج ۷۵: ۲۱). اینک ما معلمان و دست اندکاران آموزش و پرورش باید پاسخ دهیم که تا چه حد به رعایت موازین دین پای بندیم و به باورهای مذهبی خود عمل می کنیم؟ نکند کفار در عمل به اسلام از ما پیشی گیرند و ما در روز حساب به درگاه خداوند پاسخ درخوری نداشته باشیم!

آیا ما برای هر کس با هر میزان و هرگونه استعداد، راه یادگیری را هموار می‌کنیم؟

آیا برای همهٔ دانش‌آموزانمان به یک میزان و به اندازه‌ای که خداوند خواسته است اهمیت و ارزش قائل هستیم؟

آیا همانند پیامبران، بدون تحقیر افراد ضعیف، راه یادگیری و مشارکتشان در جامعه را هموار می‌کنیم؟

اگر بخواهیم به موازین دین خود عمل کنیم، راهی جز پذیرش افراد متفاوت در مدرسه نداریم و این بهترین راهی است که می‌تواند مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی همهٔ افراد از حق آموزش و پرورش را تضمین کند. اگر به هر نحوی فردی را به سبب تفاوتش، از کلاس یا مدرسه‌ای که همه حق دارند به آن وارد شوند و بیاموزند حذف کنیم، به او این پیام را داده‌ایم که تو برای ما مانند دیگران نیستی؛ پس از او نیز نباید انتظار داشته باشیم که خود را عضوی از جامعهٔ ما ببیند. او حق دارد پیروست وقتی جامعه‌ای که اعضای آن خود را از تو تواناتر و برتر می‌دانند، در اندیشهٔ احساس و آیندهٔ تو نیست، تو چرا باید برای آنان ارزشی قائل شوی و رعایتشان کنی؟ آیا آنان که تواناتر بودند، در هنگام نیاز برایت ارزشی قائل شدند؟ آیا زحمت اندیشیدن به نیازهای تو و راه‌های توانمند ساختن را به خود دادند؟ اگر نه، تو چرا باید رعایتشان کنی؟

آیا برخی از آنانی که امروز می‌رانیمشان، همان‌هایی نیستند که در آینده پایبند موازین اجتماعی نخواهند بود و با بزهکاری و جنایت در ابعاد گوناگون، شادی و تندرستی را از جامعه می‌گیرند؟ آیا پایه‌گذار آن نامهربانی‌ها و دل‌سنگی‌ها رفتار حذف‌گرایی امروز ما نیست؟ تصور من این است که حکمت دستورات مؤکد خداوند و فرستادگانش در رعایت و پذیرش افراد متفاوت، علاوه بر جنبهٔ اخلاقی آن که به رشد ما در مراتب انسانی و الهی منجر می‌شود، ناظر بر همین سالم‌سازی روابط اجتماعی است.

نکتهٔ پایانی اینکه، آیا هرگز به این نکته اندیشیده‌اید که با حذف افراد متفاوت از محیط پرورش کودکان و مردم، فرصت تمرین بخش مهمی از موازین اخلاقی را از جامعه می‌گیریم؟ بگذارید موضوع را این گونه باز کنم:

آیا تردیدی هست که برای هر مهارتی از جمله فعل‌های اخلاقی، به فرصت تمرین آن فعل نیازمندیم؟ با شواهدی که در این مقاله مطرح شد، آیا تردیدی هست که کمک به هموار شدن راه فراگیری افرادی که با ما متفاوت‌اند، از اصول اخلاقی دین ماست؟ آیا فطرت الهی ما جز این را گواهی می‌دهد؟

به نظر می‌رسد در این باره تردیدی نباشد که چنین تلاشی امری اخلاقی و منطبق بر فطرت الهی ماست. البته اگر تردیدی هست، بسیار سپاسگزار خواهیم شد با نشانی‌هایی که در شمارهٔ پیش دادیم، تردیدهای خود را بیان فرمایید تا به گفت‌وگو بنشینیم. ولی اینک

فرض را بر آن می‌گیریم که تردیدی نیست. اگر چنین باشد، پس برای تمرین این مهارت در فراگیرندگان خود باید فرصت‌هایی را فراهم کنیم. پرسش این است که اگر چنین افرادی را از اتاق درس و مدرسهٔ خود حذف کرده باشیم، فرصت مناسب برای یادگرفتن و خیره شدن در این مهارت کجا برای فراگیرانمان فراهم خواهد شد؟ چه کسی آنان را به روش‌های مناسب رهنمون خواهد شد؟ آیا پرورش اخلاقی و وظیفهٔ اصلی سامانهٔ آموزش و پرورش کشور نیست؟ به نظر می‌رسد حذف افراد متفاوت نه تنها ظلمی به آنان است، چون از حق آموزش و پرورش معادل دیگران و حس تعلق به جامعهٔ خود محروم می‌شوند، بلکه ظلمی به اکثریت جامعه است، چون فرصت فراگیری و تمرین یک اصل اخلاقی بسیار مهم، یعنی همیاری با هموعان متفاوت و هموارسازی مسیر رشد و پیشرفتشان را از آنان می‌گیریم. چنین ظلمی یک عمل ضد اخلاقی صرف نیست، بلکه ظلمی است که آثار آن بر حیات اجتماعی باقی می‌ماند، چرا که وقتی فرهیختگان یک اجتماع عملی ضد اخلاقی را در سامانه‌ای بنیان می‌گذارند که متولی پرورش است، بر حسب قدرت نرم‌افزاری این نهاد که بسیار پرنفوذتر از قدرت‌های سخت است، این عمل به عنوان هنجار در جامعه پذیرفته می‌شود و نسل‌ها به آن عمل می‌شود. همان گونه که امروز سامانهٔ آموزش و پرورش با جداسازی این افراد از متن جامعه این ظلم را به عنوان یک عمل منطقی سنت سنجیده‌ای فرض کرده است و می‌کند.

باید از این نقش خود هراسان باشیم و برای تغییرش به پا خیزیم، چرا که هر کس کار خوبی را بنا نهد، پاداش تمام کسانی که به آن کار عمل کنند، بدون آنکه از عامل کم شود، به او داده می‌شود. همان گونه که اگر کسی راه بدی را به روی مردم باز کند، در گناه تمام کسانی که در آن راه پا نهند شریک است (کنز العمال، حدیث ۴۳۰۷۹).

روشن است، اگر بخواهیم هر روشی را پایه‌گذاری کنیم، باید دانش و مهارت‌های لازم برای اجرای آن را داشته باشیم. بسیاری از معلمان که در سال‌های اخیر با اندیشهٔ فراگیرسازی و تلفیق کودکان با نارسایی آشنا شده‌اند و با آن موافق هستند، با این پرسش روبه‌رو شده‌اند که چگونه می‌توان این روش درست را به اجرا درآورد و گاه در همین مرحله متوقف شده‌اند، چون به آموزش‌های مناسب برای این اقدام دسترسی نداشته‌اند. اگرچه ضرورت دوره‌های آموزشی مداوم برای فراگیرسازی بر کسی پوشیده نیست، اما کاستی‌های موجود در سامانهٔ آموزش‌های بدو خدمت و ضمن خدمت آموزش و پرورش ما را به این اندیشه رهنمون شد که شاید بتوان بخشی از نیازهای معلمان و مدیران مدارس را با ایجاد این فرصت یادگیری برای معلمان جبران ساخت. از شمارهٔ بعد به این روش‌ها می‌پردازیم.

یک اجرای خلاقانه

محمد شاکر
سعید شادروانان
تصویرگر: مهدی رضاییان

برگزاری جشنواره عصر خلاق توسط دانش آموزان

۱. اگر مجریان برگزاری جشنواره و شرکت کنندگان در آن دانش آموز باشند، موقعیتی استثنایی از فرایندهای آموزشی در مدرسه را تجربه خواهیم کرد.
۲. بهتر است دانش آموزان اجراکننده در یکی دو پایه، بالاتر از دانش آموزان شرکت کننده در جشنواره باشند.
۳. لازم است کارشناسان عصر خلاق آموزش کوتاه مدت (دو تا سه ساعت) برای دانش آموزان مجری برنامه تدارک ببینند.
۴. بهتر است در طول اجرای برنامه یکی از کارشناسان عصر خلاق بر کار دانش آموزان اجراکننده نظارت کند.
۵. همان طور که شرکت کنندگان در جشنواره از لحاظ هوش های زبانی - کلامی، ریاضی - منطقی، فضایی - مکانی و جسمی - حرکتی ارزیابی می شوند، دانش آموزان مجری برنامه های جشنواره نیز برای هوش های میان فردی و درون فردی ارزیابی می شوند.
۶. دانش آموزان مجری در طول برگزاری جشنواره، توان مدیریت اجرا، توانمندی های فردی، توانایی کار گروهی، توانایی برقراری ارتباط، مسئولیت پذیری و به طور کلی شایستگی های شخصی خود را نشان می دهند.

ملاحظات درباره برگزاری جشنواره عصر خلاق

برای اجرای خلاقانه جشنواره، افراد برگزارکننده باید ویژگی هایی داشته باشند؛ از جمله:

۱. روحیه شاد و بازیگوشانه و علاقه مند به فعالیت های آموزشی غیرمعمول.
۲. انعطاف برای ایجاد یک ترکیب متفاوت از سه مفهوم تفکر، تفنن و تحرک در ساختار کلی جشنواره، پس از ارزیابی شرایط موجود.
۳. توانایی درک موقعیت موجود و کوشش برای تبدیل آن به موقعیت مطلوب.
۴. توانایی شناوری در موقعیت های اجرایی متفاوت جشنواره.
۵. مهندسی موقعیت مطلوب و آمادگی برای روبه رو شدن با ماجراهای پیش بینی نشده.
۶. توانایی بیرون رفتن از ساختارهای جزئی با حفظ ساختار کلی برنامه.
۷. حضور واقعی، فعالانه، مؤثر و سرخوشانه در اجرا.
۸. شناخت مخاطب و کوشش برای نزدیک شدن به علاقه های او.
۹. باور به منحصر به فرد بودن و یگانگی هر اجرا.
۱۰. توانایی ارزیابی هر اجرا برای تضمین کیفیت اجراهای بعدی.

جشنواره

عصر خلاق

عصر خلاق در خانه (۲)

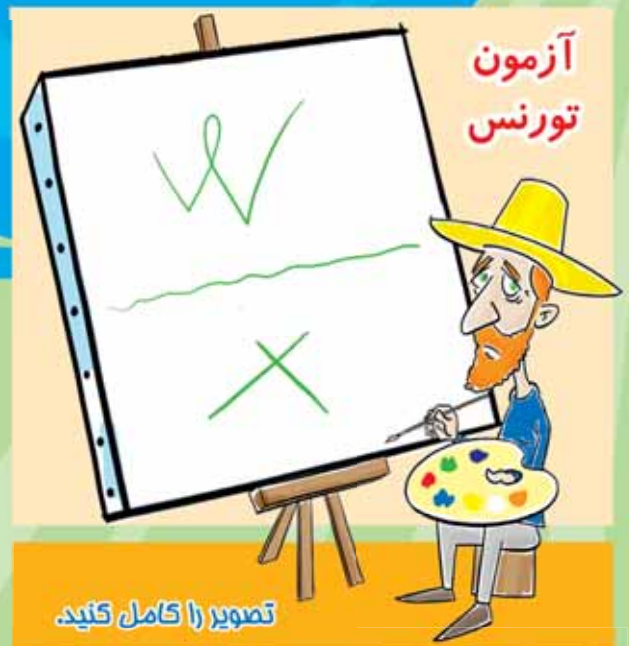
عصر خلاق یک المپیاد بازی های آموزشی است.



پدر
و
دو فرزند

ماصل ضرب سن یک پدر و دو فرزند دوقلویش ۲۴۵۰ است.

سن هر کدام را مشخص کنید. $abb = ۲۴۵۰$



آزمون
تورنس

تصویر را کامل کنید.



تخم مرغ خام
تخم مرغ پخته

روش های شناسایی تخم مرغ خام و پخته را پیدا کنید.



پودر فلفل

یک ظرف آب تهیه کنید.

مقداری فلفل روی سطح آب بپاشید.

سپس یک قطره مایع ظرفشویی

روی آن بپاشید.

چه اتفاقی رخ می دهد؟

آزمون تخمین

به نظر شما محیط و مساحت میا ط مدرسه تان چقدر است؟



مربع ها در صفحه شطرنج



مربع های موجود در یک صفحه شطرنج چه تعداد است؟

روش های مختلف تقسیم مربع به چهار قسمت مساوی را پیدا کنید.

تقسیم مربع



رمز گشایی



$=x \div +0- \quad x \square \square x \quad =+ \sqrt{\quad} \quad \diamond \square \square x \quad \triangle \quad \circ =$

سطر بالا یک مصرع از بیت غزلی از حافظ است (شامل ۲۶ کلمه و ۲۱ حرف).
حرف های (ا - ت - ج - د - ز - ح - ط - ی - ک - م - ن - و) در این شعر آمده اند.
این ده حرف با ده علامت ریاضی ($\sqrt{\quad} = - + \div \times \square \triangle \diamond$) رمزپهسی شده اند.
یعنی به جای هر حرف یکی از علامت های ریاضی به کار رفته است.
شعر را پیدا کنید.

مدرسه جای خوبی است اگر...





کلمات با اعداد و حروف

کلماتی را بیابید که بتوان به صورت ترکیبی از اعداد و حروف نوشت. مثل: فار ۳۰ بهای فارسی مدرسه ۳۰ بهای مدرسه ۲۰ لت بهای دولت و...



معمای اینشتین

۱. پنج خانه کنار هم داریم که هر کدام یک در جلویی دارد با رنگی متفاوت که افرادی با ملیت‌های گوناگون در آن زندگی می‌کنند. همچنین، میوه‌ها و نوشیدنی‌های متفاوت در آن‌ها وجود دارند و هر فرد فوهرای متفاوتی می‌فورد.
 ۲. استرالیایی در خانه با در قرمز زندگی می‌کند.
 ۳. ایتالیایی با سگش زندگی می‌کند.
 ۴. داخل خانه‌ای که در سبز دارد، قهوه صرف می‌شود.
 ۵. اوکراینی چای می‌نوشد.
 ۶. خانه‌ای که در سبز دارد، به سمت راست خانه‌ای چسبیده است که در سفید دارد.
 ۷. کسی که قارچ می‌فورد ملزون دارد.
 ۸. سیب‌ها در خانه‌ای فورده می‌شوند که در زرد دارد.
 ۹. در خانه وسطی شیر نوشیده می‌شود.
 ۱۰. نروژی در خانه اول در سمت چپ زندگی می‌کند.
 ۱۱. کسی که پیاز می‌فورد جنب خانه کسی زندگی می‌کند که روباه دارد.
 ۱۲. سیب‌ها در خانه‌ای فورده می‌شوند که خانه کنار آن اسب دارد.
 ۱۳. کسی که کیک می‌فورد آب پرتقال هم می‌نوشد.
 ۱۴. ژاپنی موز می‌فورد.
 ۱۵. نروژی در کنار خانه‌ای زندگی می‌کند که در آبی دارد.
- ملا بگویید چه کسی آب می‌نوشد و چه کسی گورخر دارد؟

مهارت یادداشت‌برداری

یادداشت‌برداری، یکی از فنون مهم مطالعه

حدیثه اوتادی
کارشناس ارشد مشاوره

حتماً دیده‌اید که بیشتر دانش‌آموزان، وقتی فاصله بین امتحانات کم باشد، به کمبود وقت برای مطالعه اعتراض می‌کنند. در واقع بچه‌ها برای شرکت در امتحان‌های فشرده مشکل دارند. علاوه بر این، آن‌ها از فراموش کردن مطالب درسی‌شان رنج می‌برند و فکر می‌کنند مشکلی در هوش و حواس یا قدرت یادگیری خود دارند؛ به نظر شما اشکال کار کجاست؟

بی‌شک آشنا نبودن با فنون مطالعه، دلیل اصلی مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان است. در این شماره می‌خواهیم درباره روشی صحبت کنیم که دانش‌آموزان با بهره‌گیری از آن می‌توانند درس‌ها را سریع و حتی برای چند بار مرور کنند. این روش، «یادداشت‌برداری» است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که یادداشت‌برداری در به‌خاطر آوردن مطالب و افزایش قدرت حافظه مؤثر است. این کار فایده‌های دیگری نظیر افزایش قدرت تمرکز و دقت، افزایش یادگیری، کاهش حجم مطالب، و مرور آسان‌تر و بیشتر دارد.

۱

مهم‌ترین نکته در یادداشت‌برداری این است که دانش‌آموزان باید بعد از درک کامل موضوع، شروع به یادداشت‌برداری کنند. در واقع، بعد از اینکه از یادگیری مطلب مطمئن شدند، این کار را انجام دهند. فقط در این صورت است که می‌توانند خلاصه مطالب را آن هم با زبان خودشان بنویسند. در یادداشت‌برداری، تکرار جملات کتاب یا حرف‌های معلم، به اندازه استفاده از جملاتی که از تفهیم مطلب توسط خود دانش‌آموز حاصل می‌شود، مفید واقع نخواهد شد.

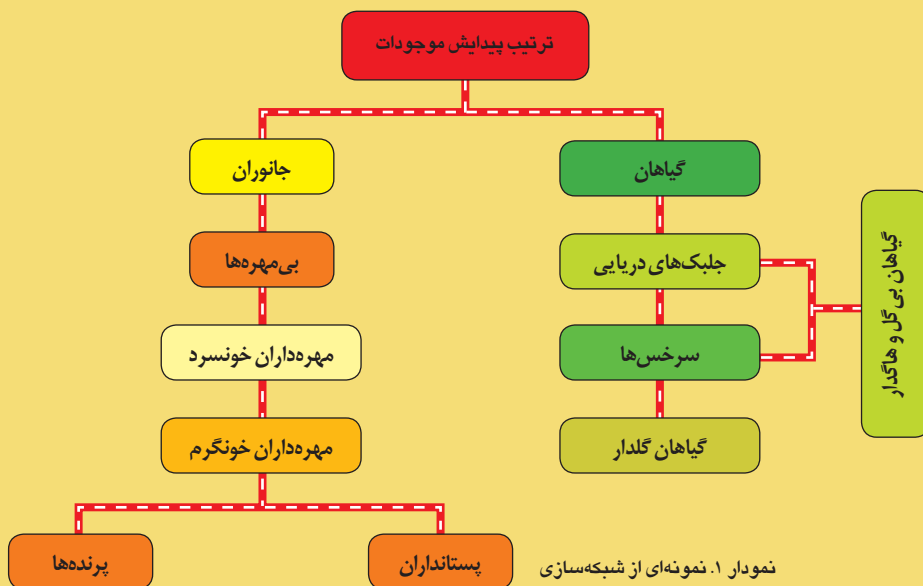
۲

در یادداشت‌برداری، علاوه بر اینکه مفاهیم و نکات را خلاصه می‌کنیم، باید آن‌ها را به‌طور ساده هم بنویسیم. برای این کار از آکولاد، علائم و شبکه‌ای کردن مطالب استفاده می‌کنیم، یا کلمات و عبارت‌های مهم را بزرگ‌تر یا به‌صورت فانتزی می‌نویسیم. استفاده از علائم متنوع، کاملاً به خلاقیت فرد بستگی دارد.

۳

در هر جمله‌ای که می‌خوانیم یا می‌شنویم، کلماتی کلیدی وجود دارند که از روی آن‌ها می‌توان به معنی و مفهوم کل متن پی برد. دانش‌آموزان باید با توجه به همین کلمه کلیدها، نکات و مفاهیم اصلی را استخراج و آن‌ها را یادداشت کنند. به یک نمونه از کتاب علوم سال سوم راهنمایی توجه کنید:

ترتیب پیدایش جانوران، از بی‌مهره‌ها به مهره‌داران ساده خونسرد و سپس مهره‌داران خونگرم، یعنی پرنده‌ها و پستانداران است. گیاهان نیز در آغاز محدود به جلبک‌های دریایی بودند و در زمان‌های بعد سرخس‌ها و انواع مشابه پدید آمدند. پیدایش گیاهان گلدار، که انواعی کامل‌تر و پیچیده‌تر از اقسام بی‌گل و هاگدار است، در زمان‌های نزدیک به زمان حال در روی زمین ظاهر شدند.



شکل دیگری از توجه به کلمات کلیدی، خالی نگهداشتن جای آن‌ها در جمله است. در این شیوه، دانش‌آموز به‌هنگام مرور، جاهای خالی را در ذهن خود پر و بدین ترتیب مطالب را بازخوانی می‌کند.

یادتان باشد، همان‌طور که به دانش‌آموز می‌گوییم وقتی مطالب را آموخت، آن‌ها را به زبان خودش یادداشت کند، به‌هنگام مرور نیز نباید مطالب را از روی یادداشت‌ها روخوانی کند، بلکه باید آن‌ها را به یاد آورد و از ذهن بازخوانی کند. نمونه‌ای از این فن را در مثال زیر از کتاب علوم سال سوم می‌بینید:

DNA مولکولی بسیار باثبات است و ساختمان آن کمتر دچار تغییر می‌شود. عواملی که سبب بروز تغییر در ساختمان چنین مولکولی می‌شوند، باید بسیار قوی باشند. مواد رادیواکتیو و بعضی از مواد شیمیایی و دارویی را از جمله این مواد می‌دانند. مولکولی باثبات است و تنها عواملی قوی مانند و می‌توانند در ساختار این مولکول تغییر ایجاد کنند.

یادداشت‌برداری دروس گوناگون با هم متفاوت است. مثلاً در دروس حفظی مانند تاریخ می‌توانیم به‌جای یادداشت‌برداری، زیر کلمات کلیدی خط بکشیم یا با علامت فلش کلمات یا عبارت‌های کلیدی را به یکدیگر وصل کنیم، یا در انتهای هر درس ورق بچسبانیم و نکات مهم هر درس را در آن یادداشت کنیم. برای این مورد، دانش‌آموز بعد از درک کامل درس، باید از خود بپرسد: «از این درس چه یاد گرفته‌ام» و آن مطالب را به زبان خودش یادداشت کند (تأکید ما از «به زبان خود نوشتن» برای عمیق شدن یادگیری است).

از آنجا که بسیاری از دانش‌آموزان خط‌کشی و علامت‌گذاری در صفحات کتاب درسی را به یادداشت‌برداری (به‌دلیل آشنا نبودن با فنون آن) ترجیح می‌دهند، لازم است دو نکته را در این زمینه یادآور شوم:

الف) خط‌کشی و علامت‌گذاری کتاب‌ها روش بسیار مؤثری برای افزایش تمرکز و دقت است. این کار دانش‌آموز را نسبت به خواندن معمولی بسیار فعال‌تر و تیزتر می‌کند. فراموش نکنید که علامت‌گذاری و خط‌کشی نوعی یادداشت‌برداری پراکنده است.

ب) به دانش‌آموزان یادآوری کنید بهتر است به‌جای خط‌کشی زیر جملات مهم، زیر کلمات کلیدی این جملات خط بکشند، به‌طوری‌که با دیدن آن کلمات کل مفهوم جمله به ذهنشان خطور کند. در صورتی‌که اگر کتاب را با خط‌کشی‌های فراوان شلوغ کنند یا با ماژیک‌های شبرنگ نقاشی کنند، اولاً تشخیص نخواهند داد چه نکاتی اصلی و مهم و چه نکاتی فرعی و کم‌اهمیت هستند، ثانیاً با ایجاد آلودگی بصری از یادگیری خود خواهند کاست.

* چه وقت یادداشت‌برداری کنیم و چه وقت خط‌کشی و علامت‌گذاری؟

در موارد زیر اولویت با یادداشت‌برداری است

✓ مفاهیمی که به‌طور مستقیم در کتاب به آن‌ها اشاره نشده است (از گفته‌های معلم یا کتاب‌های کمک درسی آموخته شده‌اند).

✓ چند مطلب پراکنده اما مرتبط که باید در یک‌جا نوشته و جمع‌بندی شوند.

✓ جملاتی از کتاب که می‌توان آن‌ها را ساده‌تر نوشت.

در موارد زیر خط‌کشی و علامت‌گذاری کنید

✓ جملات مهمی که نمی‌توان آن‌ها را خلاصه کرد و باید تمامشان را نوشت.

✓ اگر در یادداشت‌برداری تبحر کافی ندارید و این کار برایتان وقت‌گیر است.

– فراموش نکنید که یادداشت‌برداری مؤثرتر از خط‌کشی است. ولی استفاده از هر دو روش، به‌شرطی که هدفمند و صحیح انجام شود، ایده‌آل است.

دانش‌آموزان اگر کتاب را با خط‌کشی‌های فراوان شلوغ کنند یا با ماژیک‌های شبرنگ نقاشی کنند، اولاً تشخیص نخواهند داد چه نکاتی اصلی و مهم و چه نکاتی فرعی و کم‌اهمیت هستند، ثانیاً با ایجاد آلودگی بصری از یادگیری خود خواهند کاست

به دانش‌آموزان یادآوری کنید که یادداشت‌برداری، که یکی از مهارت‌های تحصیلی است، اولاً به تمرین زیاد و یادگیری عمیق مطالب نیاز دارد و ثانیاً می‌تواند آن‌ها را برای مراحل بالاتر تحصیلی که حجم مطالب و تعداد منابع بیشتر است، آماده کند. معلمان عزیز، به‌یاد داشته باشید که در دوره‌های بالاتر تحصیلی استفاده از این روش بسیار ضروری است و دانش‌آموزانی که آن را نیاموخته باشند، با مشکل مواجه می‌شوند. پس توجه و تأکید شما در آموختن آن به دانش‌آموزان، کمک شایانی به آن‌ها خواهد کرد.

معمولاً وقتی موضوعی را برای اولین بار می‌خوانیم، فکر می‌کنیم همه جملات و نکات آن مهم‌اند و باید آن‌ها را یادداشت کنیم. در این حالت، یادداشت‌ها پرحجم خواهند شد. ولی با مرور بیشتر و تسلط به مطالب، متوجه نکات پراهمیت‌تر خواهیم شد.

یادداشت‌های پراکنده یک درس، ارزش چندانی ندارند و به شما کمکی نمی‌کنند، پس بهتر است یادداشت‌برداری به‌طور منظم انجام شود تا خلاصه‌ما کامل و قابل استفاده باشد. می‌توان از برگه‌های A4 استفاده کرد و مطالب را با فاصله نوشت تا بتوان نکات جدید را به یادداشت‌های قبلی اضافه کرد.

بهدخت نژاد حقیقی
دبیر ادبیات منطقه ۱ تهران



رخورد با معلم در متون کهن

هزار نکته باریک ترز مویخاست
نه هر که سربتراشد قلندری داند

نظام آموزشی جدید و دانش آموزان این روزها با نسل های قبل تفاوت های آشکاری دارند. بسیاری از اصول حاکم بر روابط معلم و متعلم در ادب قدیم نیز به متون عرفانی ما مربوط می شوند. نباید فکر کنیم که رابطه معلم و متعلم، همچنان مثل رابطه مراد و مرید در ادبیات عرفانی است! ادب عرفانی ویژگی های خاص خود را دارد و رابطه مراد و مرید در آن رابطه مطلوب و طالب است. در حالی که امروزه برای داشتن کلاسی پویا و پربار لازم است هر دو طرف یادگیرنده و یاددهنده با یکدیگر همکاری داشته باشند. اینجا قصد ما نقد اصول روابط میان معلم و متعلم در ادب قدیم نیست، بلکه غنیمت دانستن برخی از آن اصول و ضرورت استفاده از آن هاست که گاهی در روزمرگی هایمان آن ها را از یاد می بریم.

نگاهی به برخی آداب متقابل استاد و شاگرد از دیدگاه عزالدین کاشانی در «مصباح الیهادیه و مفتاح الکفایه» ما را متوجه ظرایف بسیار می کند:

الف) آداب استاد

۱. شناخت توانایی های سالکان؛
۲. رفق و مدارا با سالکانی که توانایی کمتری دارند و در عزم و اراده و مجاهدت ضعیف اند؛
۳. دل سپردن به خدای سبحان و یاری جستن از او هنگام سخن گفتن با سالکان و هدایت آنان؛
۴. دوری از تصریح و تعیین عیب های سالک و به جای آن فهماندن عیوب او با اشاره و کنایه؛
۵. دوری از آشکار سازی اسرار سالک؛
۶. در گذشتن از لغزش های سالک در خدمت و ادب ورزی نسبت به استاد و تشویق او به ادب و تسلیم و خدمت به استاد؛

رعایت مراحل رشد
در هنگام تشویق و تنبیه
بسیار ضروری است.
در مسئله تنبیه، کرامت و
شخصیت متعلم نباید آسیب
ببیند و راه درمان و اصلاح
رفتار متعلم خاطی باید
ذکر شود

تربیتی حامیانی چون ویلیام جیمز دارد، یکی از اصلی ترین ابزارهای تربیتی است که حول دو محور می چرخد: ایجاد عادات مطلوب، برطرف ساختن عادات زشت و نامطلوب.

پرواضح است که این امر مستلزم شناخت و معرفت عمیق معلم از متعلم و اعتقاد داشتن به تأثیر گذاری اجتنابناپذیر و ماندگار معلم بر متعلم است.

اما تشویق و تنبیه هر کدام شرایط خاصی دارند. رعایت مراحل رشد در هنگام تشویق و تنبیه بسیار ضروری است. در مسئله تنبیه، کرامت و شخصیت متعلم نباید آسیب ببیند و راه درمان و اصلاح رفتار متعلم خاطی باید ذکر شود.

مهر و محبت معلم نسبت به دانش آموزان؛ که کیمیای این حرفه به نظر می رسد، چرا که:

درس معلم را بود زمزمه محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
احترام به دانش آموز و رعایت حریم او؛

صداقت و بی ریاپی معلم؛ که آموزه بسیار ماندگاری برای دانش آموز به حساب می آید.

اما متون کهن ما یکطرفه به قاضی نرفته اند، بلکه هر جا سخن از معلم بوده، از آداب متعلمی نیز گفته شده است:

ب) آداب شاگرد

۱. عزم و پایداری در ملازمت و همراهی استاد؛

۲. دل و جان سپردن به آموزش های استاد و پیروی از برنامه های او؛

۳. گوش سپردن به سخنان استاد؛

۴. شناخت زمان سخن گفتن با استاد؛

۵. رعایت حد و اندازه خویش در مقام سخن گفتن با استاد.

«نظریه عادت» که در روان شناسی

نداشتن انتظار بزرگداشت و احترام از سوی شاگرد؛ اگر چه حق این است که چنین باشد؛

۸. ادای حقوق سالک در همه حال؛
۹. موافقت رفتار و گفتار.

و ویژگی های استادی که نباید خود را به او سپرد، چنین است:

۱. ریاست طلب است و این حس را پنهان می کند، ولی در پی تحقق بخشیدن به آن است؛

۲. حسادت دارد؛

۳. برای خودش تبلیغ می کند؛

۴. روحیه مریدپروری دارد و دیگران را تسلیم محض افکار و اراده خود می خواهد. اگر هم انسان بهتری از حیث علمی و عملی بشناسد، دیگران را به او فرانمی خواند و حتی آن ها را از او بازمی دارد.

بدین ترتیب، با وجود نگاه منتقدانه نسبت به آداب تعلیمی سنتی، شرایط استادی سختگیرانه و بسیار دقیق و حکیمانه مطرح شده است. به ویژگی های ۳، ۴ و ۷ در «آداب استاد» یک بار دیگر دقت کنید! شاید بتوان این ویژگی ها را در سه عنوان کلی امروزی چنین مطرح کرد:

منابع

۱. هاشمیان، سیداحمد. آرای تربیتی غزالی با توجه به زمینه روان شناختی آن ها. فصل نامه تعلیم و تربیت، ش ۳۴.
۲. رودگر، محمدجواد. استاد و راهنما در عرفان. فصل نامه پژوهشی پژوهش نامه اخلاق. سال دوم، ش ۶.
۳. رودگر، محمدجواد. رابطه بین مرید و مراد در تراوی نقد. کتاب نقد، ش ۴۷ و ۴۸.

پرورش تفکر نقاد با مجلات رشد دانش آموزی

نقد مجلات رشد

معصومه نژادحسینی
دبیر علوم ناحیه ۳ مشهد

راه‌های بی‌شماری برای معنادار کردن برنامه درسی وجود دارد. نمونه حاضر یکی از محدود فعالیت‌هایی است که معلمان می‌توانند در کلاس درس از آن بهره ببرند و به‌طور چشمگیری بر درک و فهم دانش‌آموزان بیفزایند و شاهد شکوفایی توانایی‌های آنان باشند.

از آنجا که برنامه درسی پویا و سازنده فرصت بروز توانایی‌های خلاق، پرداختن به علاقه‌ها و شکل دادن به آن‌ها را برای دانش‌آموز فراهم می‌آورد، من همه ساله پیش از آغاز سال تحصیلی، به شکلی مدون و سازمان‌یافته، مطالعات گسترده‌ای را درباره ارزشیابی، روش‌های تدریس و بررسی آسیب‌های اجتماعی ناشی از نحوه به‌کارگیری آن‌ها به‌عمل می‌آورم. در ادامه این روند، گزارش‌های تفصیلی و تحلیلی آزمون‌های تیمز و پرلز را نیز به‌دقت مطالعه می‌کنم. در آزمون‌های پرلز به چهار نوع فرایند یادگیری توجه می‌شود:

۱. تمرکز بر متن و بازبانی صریح و مستقیم اطلاعات از آن

۲. استنباط مستقیم

۳. تفسیر و تلفیق داده‌ها و اطلاعات

۴. ارزیابی محتوا و زبان و عناصر متنی

اگرچه این آزمون (پرلز) برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در نظر گرفته شده است، ولی با کمال تأسف آثار بی‌توجهی به سواد خواندن در رده‌های سنی بالاتر، به‌ویژه در درس علوم و هنگام درک سؤال‌های مفهومی و کاربردی این درس، به‌وضوح مشاهده می‌شود. آزمون تیمز نیز عملکرد دانش‌آموزان را در دو حیطه محتوایی و شناختی که شامل دانش، به‌کارگیری و استدلال است بررسی می‌کند. مقایسه روند این دو آزمون آشکارا نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که از نظر توانایی درک مطلب و مهارت ترکیب و تلفیق عبارت‌ها و مفاهیم در لایه‌های عمیق یادگیری مشکل دارند، نه تنها در زبان فارسی، بلکه در درس ریاضی و علوم هم ضعف نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، فرایندهای عالی ذهن یعنی تفکر، استدلال، پردازش و بازبانی اطلاعات، آشکارا با یادگیری خواندن دانش‌آموزان مرتبط هستند. داده‌های حاصل از این مطالعات مرا بر آن داشت به دنبال راهکارهای علمی و عملی جدیدی برای ارتقای سطح عملکرد دانش‌آموزان باشم. از همین روی،

علاوه بر به کارگیری روش های تدریس و ارزشیابی خلاق، از مجلات رشد به عنوان عنصری مؤثر و مفید در تقویت فرایندهای عالی ذهنی دانش آموزان استفاده کردیم. به این ترتیب که از دانش آموزان خواستیم در طول یک ماه یکی از شماره های مجلات رشد دانش آموزی و ترجیحاً مجله رشد همان ماه را مطالعه کنند و آن را از نظر به کارگیری مسائل علمی، نوع داستان ها و طنزها، ترتیب مطالب، نحوه ویرایش، انتخاب تصاویر و حتی رنگ های به کار رفته در پس زمینه نقد و بررسی کنند (لازم است خاطرنشان کنیم که در مورد شیوه نقادی در کلاس بحث و گفت و گو صورت گرفته است). بنابراین، هر دانش آموز براساس علاقه خود، یک قسمت از مجله را در نظر می گیرد، آن را به دقت مطالعه یا واری می کند، در مورد پیام، قصد و هدف نگارنده صحبت و آن را تجزیه و تحلیل و ارزیابی می کند. در پایان نیز می کوشد پیشنهادی سازنده ارائه کند.

به این ترتیب، درگیر شدن دانش آموزان در فرایند یادگیری خواندن از طریق متن های مورد علاقه و طرح سؤال های تفکربرانگیز و گفت و گو در مورد آنچه درک کردند، موجب شد دانش آموزان خواندن را نه در حد تکلیفی درسی، بلکه به منزله نیازی اساسی در زندگی خویش تلقی کنند. از آنجا که این روند در پی مشاهده ضعف دانش آموزان در تجزیه و تحلیل تکالیف و سؤال های مفهومی و کاربردی درس علوم به کار گرفته شد، علاوه بر اینکه این معضل را تا حدود زیادی رفع کرد، اهداف زیر را نیز به تحقق رساند:

- پرورش قوه تفکر دانش آموز
- پرورش مهارت درک مطلب یا سواد خواندن
- پرورش مهارت مطالعه
- آموزش مهارت نقادی
- ایجاد فرصت اصلاح خود برای دانش آموز
- پرورش قدرت تجزیه و تحلیل دانش آموز
- پرورش قوه خلاقه دانش آموز
- پرورش قدرت پردازش و بازیابی اطلاعات در دانش آموز
- گسترش فرهنگ مطالعه و آشتی با کتاب و کتابخوانی (این هدف، مهم ترین هدف است)

به این ترتیب، دانش آموزان فرصت یافتند درباره مسائل بیندیشند و با سازمان دهی مفاهیم ذهنی خویش نیروی تفکرشان را تقویت و یادگیری شادی بخشی را تجربه کنند.

نتیجه گیری

- اگر شرایط یادگیری فراهم شود، شاگردان خود به یادگیری خواهند پرداخت.
- روش های نو و ابتکاری منطبق با زندگی یاددهندگان، موقعیت کلاس را جذاب تر می کند و بر رغبت و تلاش آنان در یادگیری می افزاید.

من هیچ کس را دوست ندارم

آزاده فخری

کارشناس ادبیات پژوهش سرای منطقه شهر قدس

زنگ انشا؟!

پیشاپیش می‌دانستم که دایره لغات دانش‌آموزان این ناحیه، به‌واسطه سطح فرهنگی منطقه‌ای که در آن رشد می‌یافتند و با توجه به بی‌سوادی خانواده‌های بیشتر آنان، چندان غنی نخواهد بود و این موضوع حتی صحبت کردن معقول و مورد قبول اجتماع را برایشان مشکل کرده بود، چه رسد به اینکه بنشینند و در سکوت - که جزو محالات است! - با جمله‌های ادبی برای من انشا بنویسند. شب اولین جلسه خیلی فکر کردم که دغدغه این بچه‌ها چه می‌تواند باشد و چه چیز می‌تواند آن‌ها را بدون اجبار و دعوا و مرافعه به نوشتن وادارد. زیاد فکر کردم و تاحدودی به نتیجه رسیدم، ولی می‌دانستم که گاهی اتفاقات یک قدم جلوتر از پیش‌بینی‌های ما هستند. فردای آن شب، سرکلاس، بعد از معرفی خودم و خوش و بش

با دانش‌آموزان، از آن‌ها خواستم خودشان را معرفی کنند. هر کس که اسم و فامیلش را می‌گفت، من لفظ «آقا» را اول اسمش می‌آوردم و بسیار احترام‌آمیز با او صحبت می‌کردم. انگار نه انگار که همه آن‌ها پسر بچه هستند. سعی کردم که در رفتار من، خود را یک مرد محترم ببینند. همین که هر کس خود را معرفی می‌کرد، بچه‌های دیگر پشت‌بندش، او را با لقبی ناخوشایند که بین خودشان به او داده بودند خطاب می‌کردند و غیرمستقیم سعی داشتند به گوش من برسانند لقب این آدم چیست. متأسفانه اکثر لقب‌ها روی صفات ناخوشایند ظاهری دانش‌آموزان ساخته شده بود. دقیقاً در لحظه‌ای که آن‌ها انتظار داشتند من هم پسرک را با همین لقب صدا کنم، بی‌توجه به لقب، او را با کلمه «آقای...» خطاب می‌کردم. اولش این موضوع اسباب مسخره کردن شد، ولی کم‌کم که نوبت به خود ایشان می‌رسید، طبیعتاً دوست داشتند با لفظ «آقا» مورد خطاب واقع شوند. همین کار ساده جو کلاس را تغییر داد.

در آخر معارفه پرسیدم: دوستان عزیز من! کسی می‌داند سابقه لقب گذاشتن به چه زمانی برمی‌گردد؟

کسی درست نمی‌دانست. آن‌هایی که بچه روستا بودند، گفتند که در روستایشان تقریباً هیچ کس را به اسم واقعی‌اش صدا نمی‌زنند و از همین جنس لقب‌ها استفاده می‌کنند.

این شد که برایشان توضیح دادم: لقب زشت دادن به دیگران یک عادت جاهلی است. (بگذریم که چند نفر فکر کردند منظور من جاهل‌های قدیم تهران با آن کلاه‌های خاص است!) این عادت ناپسند میان اعراب دوران جاهلیت رواج داشته است. در قرآن امری مذموم شمرده شده و خداوند از مسلمانان خواسته است تا همدیگر را با القاب ناپسند و القاب دوران جاهلیت خطاب نکنند. عده‌ای گفتند که این کار را محض شوخی و خنده انجام می‌دهند و کسی هم ناراحت نمی‌شود. یکی هم گفت: آقا، شما هم به چه چیزهایی گیر می‌دهید؟! به آن‌ها گفتم: «حداقل نتیجه این کار، یعنی





تصویرگر:
نازی عظیمی

در اولین فرصت، متن دانش‌آموزان را خواندم و برگزیده‌ها را جدا کردم. یک متن را هم که بسیار عجیب و دور از انتظارم بود با خودکار برای خودم علامت زدم و کنار گذاشتم. یکی دو نفر طنزی قوی در نوشته‌هایشان مشهود بود و می‌شد با هدایت ایشان، طنزپردازی جدی و با استعداد به جامعه هنری کشور تحویل داد. با خودم فکر کردم که ما ایرانی‌ها جماعت طنزپردازی هستیم در کل! و با کشف نشدن این توان، استعداد همه ما هدر می‌رود!

هفته بعد، سر زنگ انشا، شور و شوق من کمتر از دانش‌آموزان نبود. قرار بر این شد که خود من نوشته‌های دانش‌آموزان را بخوانم. با هر متنی که خوانده می‌شد، قیافه پسرها دیدنی و دیدنی‌تر می‌شد. بهت و تعجب فضای کلاس را به شدت سنگین کرده بود. کم‌کم پسرهایی که اسمشان در جاهای خالی آمده بود، با نویسنده متن وارد پیچ و پیچ شدند و اگر نزدیک هم نبودند از دور به هم اظهار ارادت می‌کردند. خیلی‌ها باورش‌ان نمی‌شد که به عنوان دوست انتخاب شده باشند و تقریباً همگی از اینکه صفاتی دوست‌داشتنی دارند از خودشان تعجب می‌کردند. اینکه کسی در نزدیکی ایشان صفت خوبی را در او یافته و او را دوست دارد برایشان بسیار ارزشمند بود و از این موضوع شگفت‌زده بودند. انگار همه همدیگر را بعد از سال‌ها بر سر و کله هم‌زدن، تازه شناخته بودند! در همان زمان کوتاه، مکالمات صمیمی‌تر شده بود. دانش‌آموزان حالا با دلایلی واقعی، همدیگر را با الفاظی احترام‌آمیز خطاب می‌کردند.

در این میان، یک متن خوانده نشد. صاحب نوشته هم تقریباً تمام مدت سرش را بلند نکرد. او با اخمی مردانه، بی‌حوصله و با نوک کلیدش، چوب میز را می‌خراشید. این همان متن عجیبی بود که با خودکار روی آن برای خودم علامت گذاشته بودم. او فقط یک جمله نوشته بود: «من هیچ کس را دوست ندارم و هیچ کس هم مرا». می‌دانستم که این دانش‌آموز پشت همین یک جمله دنیایی از حرف دارد. می‌دانستم که او بی‌صبرانه منتظر است که من دلیل تک جمله‌اش را ببرسم. فقط نمی‌دانستم دوست دارد جلوی همه بچه‌ها سؤالی در این مورد بکنم یا نه؟ ولی من تصمیم گرفته بودم به‌طور خصوصی با او گفت‌وگو کنم.

وقتی زنگ خورد و کلاس خالی شد، همان‌طور که حدس می‌زد، او از جایش جم نخورد تا همه رفتند. بعد بی‌حوصله بلند شد و در حالی که سعی می‌کرد چشمش به من نیفتد، چیزی از کیفش برداشت و به راه افتاد. وقتی خواست از کنار من رد شود پرسیدم: خب؟!

نگاهی کرد که یعنی نمی‌فهمم چه می‌گویی! با روش‌های معلمی، این دانش‌آموز اخمو را که امید نام داشت، به حرف آوردم. آنچه گفتیم و شنیدیم جالب بود. جالب از این نظر که برای تک جمله او هر دلیلی به ذهنم می‌رسید، غیر از این دلیل!

ماجراهایی را که امید تعریف کرد، در شماره بعد بازگو خواهیم کرد.

لقب زشت دادن، این می‌تواند باشد که هر کس با خود می‌گوید: «لابد من هیچ چیزی غیر از این عیبم نداشته‌ام که به چشم دوستانم بیاید و به همین خاطر مرا با صفت‌های خوب صدا نمی‌کنند»... سپس ادامه دادم: حالا من یک پیشنه‌دارم. بیایید به جای انشا، موضوع نوشته‌هایمان این باشد...

و بعد، روی تخته‌ای که دیگر سیاه نبود و سبز بود، نوشتیم: من...؟... را دوست دارم، چون...؟...

و از ایشان خواستم نوشته را کامل کنند؛ جای خالی اول را با اسم دوستانشان و جای خالی دوم را با دلیل. زمان زیادی از کلاس باقی نمانده بود و نوشتن این مطلب هم وقت زیادی از ایشان نمی‌برد؛ ضمن اینکه با هر ادبایاتی می‌شد چنین مطلبی را نوشت.

بچه‌ها کمی من و من کردند. ابتدای سال بود و بعضی‌ها حتی قلم و کاغذ هم نداشتند. از همدیگر ورق قرض گرفتند و شروع به نوشتن کردند. نزدیک زنگ نوشته‌ها را تحویل گرفتم. قرار شد جلسه بعد هم به خواندن همین نوشته‌ها بگذرد. در واقع تکلیفی نداشتند. به‌خاطر همین موضوع کلی درجه محبوبیت بین بچه‌ها رفت بالا! چون دبیر زنگ قبل، هم کلی درس داده بود و هم کلی تکلیف بر عهده‌شان گذاشته بود.

وقتی بچه‌ها خوشحال و با سر و صدا کلاس را ترک می‌کردند، کلی تشکر می‌کردند و با الفاظ «چاکریم»، «مخلصیم»، «خیلی دوست داریم!»، «خیلی آقایی!» از من خداحافظی می‌کردند. من هم گفتم: البته که بچه‌ها معلمی را که درس آسانی داشته باشد و مشق هم ندهد دوست دارند!

یکی از پسرها نزدیک شد و گفت: بقیه را نمی‌دانم! ولی هیچ کس تا حالا با من این‌طور برخورد نکرده بود. کسی به من «آقا» نگفته بود!

در واقع، دانستم لقب‌هایی که بچه‌ها به او نسبت داده‌اند، از جمله بدترین القابی است که من تا آن موقع بین پسرها شنیده بودم. بعدها فهمیدم او یکی از شرورترین پسرهای مدرسه است. بعداً شنیدم که متأسفانه، در شروع هر سال تحصیلی معاون مدرسه درباره او به معلم‌ها هشدار می‌داد و معلم‌ها هم با پیش‌زمینه ذهنی بد نسبت به او، وارد کلاس می‌شدند و برخورد با این پسر را شروع می‌کردند. این دور باطل تا آن زمان ادامه یافته بود.

بابت آن همه دلهره‌ای که شب قبل داشتم، به خنده افتادم. معلم انشای قبلی به من گفته بود باید چند دقیقه‌ای بر سر این موضوع کلنجار بروم که اصلاً چرا باید سر کلاس انشا بنویسند! بعد هم که موضوع را می‌داد و جلسه بعد می‌خواست، بیشتر آن‌ها می‌گفتند که موضوع را به خواهرهایشان می‌دهند. در واقع عارشان می‌آید انشا بنویسند و کل ماجرا را امری دخترانه و دور از شأن خود تلقی می‌کنند! در کلاس‌های بعدی، ادبیات تدریس کردم. آن شب بی‌صبرانه

محیط زیست انرژی

هیوا علیزاده

دبیر علوم منطقه ۶ تهران

این مقاله یک طرح درس پیشنهادی با محوریت منابع انرژی از کتاب علوم هفتم است. در این طرح درس، روش‌های پرسش و پاسخ و بحث و گفت‌وگو به‌عنوان روش‌های اصلی تدریس انتخاب شده‌اند. بعضی از اهداف اصلی این طرح عبارت‌اند از اینکه دانش‌آموز بتواند:

- به مصرف انرژی در محیط خود مثلاً در منزل، اشاره کند و در این باره مثال بزند.
- از طریق بحث و گفت‌وگو با برخی منابع انرژی آشنا شود و معایب و مزایای آن منابع را کشف کند.
- خود را فردی مؤثر نسبت به محیط‌زیست قلمداد کند.
- از تعامل ایجاد شده، به‌عنوان فرصتی برای بیان فکر و ایده خود، احساس لذت کند.

در این روش از واژه «مبدأ مختصات» استفاده شده است که منظور نویسنده، قرار دادن آگاهی دانش‌آموز به‌عنوان مبدأ آموزش است. بدین معنی که هدف از تدریس، تنها انتقال اطلاعات کتاب به دانش‌آموز نیست، بلکه شناخت حد آگاهی دانش‌آموز و استفاده از مطالب کتاب برای ارتقای او نسبت به مبدأ یا نقطه شروعی است که او در آن قرار گرفته است. بدین ترتیب، این آگاهی دانش‌آموز است که در یک فرایند پرسش و پاسخ (در روش تدریس مطرح شده) به موقعیتی جدید منتقل می‌شود. بزرگی و جهت این انتقال، همان آگاهی نسبی و قدرت تفسیری است که در وی ایجاد شده است، نه انتقال نوشته‌های کتاب از صفحات به ذهن دانش‌آموز و حفظ آن‌ها.

از نمودار دایره‌ای مربوط به این فصل) از مصرف منابع انرژی آغاز شده است (نمودار ۱). با این سؤال، کج‌فهمی دانش‌آموز در همان ابتدا کشف می‌شود و راه از آنجایی شروع می‌شود که او در آن قرار دارد، نه از آنجایی که انتظار می‌رود قرار داشته باشد! همچنین، با این کار، تدریس، با یک جمله خبری که نگاهی ایستا به آموزش است، شروع نمی‌شود، زیرا هدف این نیست که به دانش‌آموز بگوییم ما چه می‌دانیم که تو نمی‌دانی؟! بلکه می‌خواهیم از خبری که او به‌عنوان تحلیل ذهنی از مشاهدات خود در منزل می‌دهد، به‌عنوان داده تدریس استفاده شود. از طرف دیگر، وقتی فرصت بیان به دانش‌آموز داده شود، او نیز برای شنیدن و خواندن خبر و اطلاعات دیگران وقت صرف می‌کند، زیرا با احترام گذاشتن به اخبار دانش‌آموز، او نیز به اخبار کتاب که ممکن است نمودار «آیا می‌دانید و...» باشد، احترام می‌گذارد و ما به‌عنوان آموزگار تسهیل‌کننده ایجاد این گونه ارتباط‌های متقابل هستیم.

تدریس با یک پرسش آغاز می‌شود. به این ترتیب که متن زیر با استفاده از اسلاید یا نوشتن روی تخته، به نمایش درمی‌آید:

در منزل شما چه صورت‌هایی از انرژی مصرف می‌شود؟ برای میزان مصرف هر صورت از انرژی، درصدی بیان کنید که مقدار مصرف آن را نسبت به کل انرژی مصرفی منزل نشان دهد. برای هر مورد مثال بزنید.

با مطرح کردن این پرسش، مبدأ مختصات آموزش روی دانش‌آموز قرار می‌گیرد. پاسخ به این پرسش نشان‌دهنده آن است که آیا دانش‌آموز صورت‌های انرژی را تشخیص می‌دهد و می‌تواند مفهوم درصد را برای هر یک از آن‌ها به کار برد؟

این گونه آگاهی‌های ما نسبت به توانایی‌های دانش‌آموزان اهمیت بسیاری دارد، به‌خصوص که فصل با نمودار دایره‌ای و بیان درصدی (تصویر

به پرسش برمی گردیم. از دانش آموزان خواسته می شود پاسخ های خود را در یک جدول ثبت کنند و سپس به هر کدام فرصت داده می شود تا نوشته خود را بخواند. با توجه به اینکه وسایل زیادی مانند (رایانه، تلفن و یخچال) با برق کار می کنند، بحث در جهت انرژی الکتریکی هدایت می شود و برای اینکه هر چه بیشتر به فضای ذهنی دانش آموز پی ببریم، موضوع «اگر الکتریسیته نبود!» را مطرح می کنیم تا هر کس برای جلسه بعد متن یا پاورپوینتی درباره آن آماده کند. سپس سؤال بعدی نمایش داده می شود: «انرژی الکتریکی با توجه به اهمیتی که دارد چطور تولید می شود؟» در حین نمایش این سؤال از تصویر قبض برق یا کنتور که میزان مصرف را نشان می دهند نیز استفاده می شود. با نمایش پرسش فوق و تأکید بر اینکه آیا اصطلاح عبارت «تولید انرژی» درست است یا نه، بحث را در جهت تبدیل انرژی از یک صورت به صورت دیگر هدایت می کنیم. به این ترتیب، دانش آموز در راستای اینکه چه صورت هایی از انرژی در حال تبدیل به انرژی الکتریکی هستند، هدایت می شود، خودش تبدیل ها را کشف می کند و فرصتی برای بازآموزی پایستگی انرژی به وجود می آید. در همین راستا، اسلایدهایی در زمینه نیروگاه های برقی، فسیلی، بادی و خورشیدی (از نوع سهموی)، جزر و مد، زمین گرمایی و هسته ای نشان داده می شود و سؤال پایانی جلسه به این ترتیب مطرح می شود که: «وجه مشترک همه روش های تبدیل انرژی های نشان داده شده در چیست؟»

ردیف	صورت انرژی	درصد مصرف	مثال

بحث درباره این سؤال و اشاره به عملکرد توربین ها که در مواردی از موردهای فوق با ایجاد بخار آب توسط گرمای ایجاد شده به وسیله یکی از منابع انرژی به حرکت درمی آیند و در نتیجه قسمتی از انرژی آن ها به برق تبدیل می شود، به جلسه بعد واگذار می شود. جلسه بعد، وقتی دانش آموزان نظرات و سؤالات خود را درباره وجه اشتراک و همچنین موضوع «اگر الکتریسیته نبود؟» ارائه کردند، چند کلیپ ویدیویی درباره نحوه عملکرد توربین ها (که به راحتی از اینترنت و تارنماهای آپارات و چیستا قابل دسترسی است) نشان داده می شود و در آخر عکس چند سیستم در حال کار با سلول های خورشیدی نمایش و این پرسش مطرح می شود که:

«این سیستم های تبدیل انرژی چه تفاوت هایی با سیستم های قبلی دارند و این تفاوت باعث به وجود آمدن چه مزایایی شده است؟» در فضای تعاملی ایجاد شده، برای پاسخ به سؤال فوق، به مواردی مانند قابل حمل بودن، جایگاه این سیستم ها در ایران و جهان، و بیان مثال های کاربردی در این زمینه که با عکس همراه است، پرداخته می شود.

تا اینجا دانش آموز با انرژی الکتریکی و راه های تبدیل صورت های دیگر انرژی به انرژی الکتریکی آشنا شده است. در اینجا آماری را به صورت نمودار یا جدول مبنی بر راه های تولید انرژی الکتریکی نمایش می دهیم. سپس با نمایش اسلایدهایی در زمینه هریک از منابع انرژی، از توان تولیدی آن ها در ایران و جهان اطلاعات می دهیم. در این زمینه از داده های کتاب و فراتر از آن نیز می توان استفاده کرد. در بیان مقادیر و اعداد به منابع اشاره می شود تا دانش آموز نیز بداند که برای بیان اعداد که نتیجه کار آماری هستند، باید حتماً منبع را اعلام کند. سپس این سؤال مطرح می شود که: «اگر شما از مدیران نهادهای مرتبط با انرژی بودید، مصرف کدام یک از منابع انرژی را توسعه و کدام یک را کاهش می دادید؟ چرا؟» بعد از اینکه دانش آموزان نظرات خود را یادداشت کردند و صحبت ها آغاز شد، جریان گفت و گو را در راستای آشنایی با معایب و مزایای هریک از منابع هدایت می کنیم. نمایش عکس هایی در زمینه آلودگی هوا و راکتورهای هسته ای و... مفید است.

سپس با توجه به اینکه با این بحث دانش آموزان به تمام شدنی و تمام نشدنی بودن برخی منابع پی می برند، تقسیم بندی انرژی ها به دودسته تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر مطرح می شود.

در چنین روش تدریسی، هدف استفاده از اطلاعات دانش آموز به عنوان بستری برای آموزش است. زیرا وقتی مفاهیم جدید را با اطلاعات او که از گذشته و در جریان زندگی روزمره کسب کرده است تلفیق کنیم، کمتر با مشکل ناتوانی در ارتباط بخشیدن بین آموخته ها و زندگی در آینده مواجه خواهیم شد. بدین ترتیب، دانش آموز به جای اینکه به فردی تبدیل شود که اخبار را حفظ می کند، می کوشد وقایع را تفسیر و تحلیل کند. احتمال اینکه چنین دانش آموزی در زمینه مصرف انرژی و صرفه جویی آن نقش خود را مؤثر حس کند بیشتر است تا فردی که ارتباط بین لذت بردن از تماشا کردن تلویزیون و سوخته شدن سوخت های فسیلی و تولید دی اکسید کربن در جهت تولید انرژی الکتریکی را نمی داند.

به این ترتیب، روشی که برای آموزش انتخاب شود، در ایجاد حس مسئولیت نسبت به محیط زیست نقش بسزایی دارد. فصل منابع انرژی فرصت خوبی برای چنین آموزشی است.

آموزش از جنسی دیگر ما آینه یکدیگریم

فرزانه نوراللهی

برداشت ۱ حیاط مدرسه - زنگ تفریح

... و مشاجره لفظی بین هم کلاسی ها
حدود ۱۰ دقیقه ای طول کشید.
زنگ خورد و بچه ها به کلاس رفتند...

آیدین: راست می گوید.
تو همیشه آدم ها را
ناراحت می کنی! من هم
چند بار از دست
ناراحت شدم.

سروش: من
از دست خیلی
ناراحتم. تو الان داری
حرفت را
عوض می کنی!

آیدین: تو
عجله کردی،
منظور من این
نبود!

آیدین: اصلاً
این بحث به تو
چه ارتباطی دارد که
دخالت می کنی؟!!

زنگ - کلاس پیام های آسمان

معلم: «آیدین، چرا اخم هایت درهم است؟! کشتی هایی که ماشین های مدل بالایت را می آوردند غرق شده اند؟»

آیدین: آقا
از دست این بچه ها
ناراحت هستم» (اشاره
به پشت سری های خود
می کند!)

مبین: آیدین با خودش
هم دعوا دارد!

سروش: معلم: «بچه ها حواستان باشد که شما
با هم دوست هستید. مراقب باشید
با حرف هایتان همدیگر را نرنجانید.
سعی کنید تذکراتی خوب به هم
بدهید، به جای اینکه حرف های
نیش دار به هم بزنید...»

ای وای،
باز هم نصیحت!

برداشت ۲ زنگ تفریح - راهروی مدرسه

عمو فرهادی: «بچه ها
مثل اینکه حالتان
خوب نیست. بیاید
آبدارخانه تا یک چای با هم
بخوریم.»

آیدین: بابا
چرا این قدر زود
به تو برمی خورد! منظور
من اصلاً این نبود.

سروش: «آخه
بار اولت نیست
که این طوری بر خورد
می کنی و...»

مبین: «من
هم با سروش
موافقم.»

عمو فرهادی: و مشاجره لفظی بالا می گیرد.
عمو فرهادی پدر مهربان و
دوست داشتنی مدرسه، در حین عبور از
کنار بچه ها، با همان لبخند همیشگی اش
به آن ها سلام می کند.
بچه ها جواب سلام عمو فرهادی
را با بی حوصلگی می دهند.

چه عالی!
پس تا معلمان به
کلاس نرسیده است،
زود بروید.

ماها!
اصلاً ناراحت نیستیم
و مشکلی هم نداریم!!
اگر اجازه بدهید برویم
سر کلاس که زنگ
خورده است!!

«خب!»
حالا اگر دوست
دارید، بگویید چرا ناراحت
و عصبانی بودید؟!»

آبدارخانه مدرسه

چهره بشاش و گشاده روی
عمو فرهادی با چایی های پرنرزی
و چای نابی که دم می کند، کار
خودش را کرد.
بچه ها کاملاً آرام و خندان
شده اند.

عمو فرهادی:

مبین:

سروش:

آیدین:

عمو فرهادی:

«آقا
ما بگوییم!!»

زنگ خورد و کلاس پیام های آسمان

معلم: بچه ها! همه ما از ارتباط با آدم های اطرافمان تجربه های زیاد و متفاوتی داریم.
فکر می کنید رفتار و شخصیت هر کس چه تأثیری در دیگران می گذارد؟!
اصلاً حالات و رفتارهای شخصی برای دیگران مهم است؟ خوشحال می شوم از تجربه های خوب شما بشنوم!

معلم: «ظاهراً تجربه مشترکی با هم دارید؟! بهتر است یک نفر به نمایندگی بلند شود و آن را بگوید!»

«زنگ تفریح، در راهروی مدرسه، ما داشتیم با هم بحث می کردیم و کمی هم از دست هم دلخور بودیم. وقتی
عمو فرهادی رفتارهای ما را دیدند، به خوردن چای در آبدارخانه دعوتمان کردند. ما همیشه از اینکه بزرگ ترها ما
را بچه فرض می کنند و می خواهند نصیحتمان کنند، ناراحت می شویم. عمو فرهادی با چهره گشاده و مهربان خود
به ما این فرصت را دادند که خودمان روی کاری که می کردیم فکر کنیم. راستش رفتار محترمانه و مهربان ایشان
همیشه مشکل گشاست.»

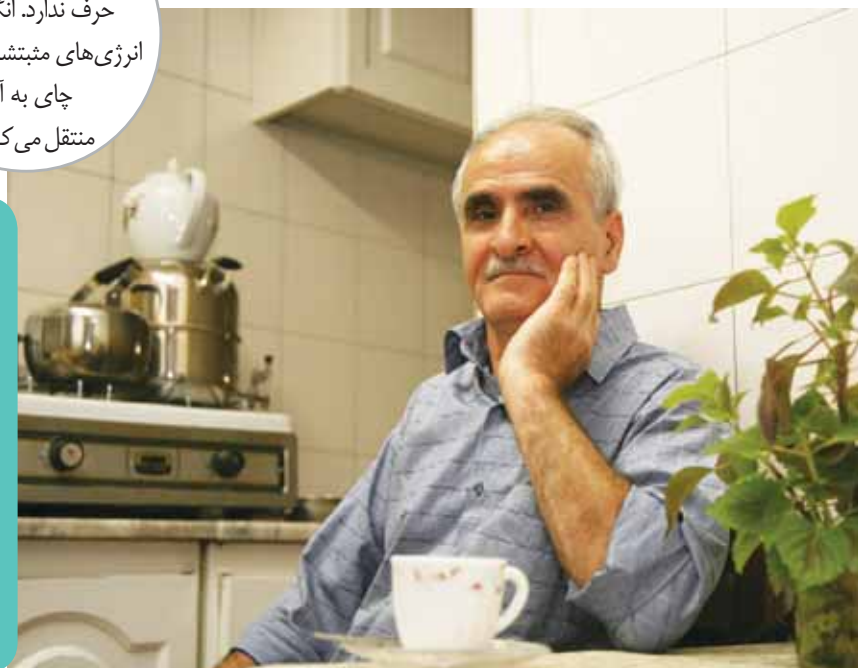
سروش:

«آقا»

چایی هاشان که
حرف ندارد. انگار تمام
انرژی های مثبتشان را همراه
چای به آدم
منتقل می کنند.»

آیدین:

معلم: «چه تجربه خوبی! من یاد این جمله امام معصوم (ع)
افتادم که مؤمن آینه مؤمن است. در جمله دیگری هم
می فرمایند: شیعیان ما به زنبور عسل شباهت دارند.
خوب است برای جلسه آینده روی این جمله ها فکر
کنید. شاید بهتر باشد قبل از آن درباره ویژگی های آینه
و زنبور عسل کمی تحقیق کنید و ارتباط این دو تمثیل را
در کلام معصوم (ع) پیدا کنید. سپس تجربه های مشابهی
را که در این زمینه ها دارید، یادداشت کنید. جلسه بعد
درباره تجربه های ارزشمند شما با هم گفت و گو و از آن ها
استفاده می کنیم.»





کنترل هیجان

فاطمه ملاصالحی

طرح درس پیشنهادی: این مبحث می تواند طی سه جلسه ۵۰ دقیقه ای برای دانش آموزان تدریس شود. معلم تعدادی تصویر متناسب با کنترل هیجان (حداقل پنج تصویر) را به تعداد دانش آموزان آماده می کند. دانش آموزان با انتخاب یک تصویر به کلاس وارد می شوند و کنار بچه هایی با عکس های مشابه خود می نشینند (در هر گروه حداقل سه و حداکثر پنج نفر حضور دارند).



معلم دانش آموزان را در یک موقعیت قرار می دهد و عکس العمل آن ها را بدون آنکه متوجه شوند، یادداشت می کند. او خطاب به دانش آموزان می گوید: «بچه ها پرسش کلاسی داریم، چیزی روی میزها تون نباشه.»

بسیار خوب نیز به گریه بیفتند. ۴. برخی دیگر، در صورت نگرفتن نتیجه خوب، معلم را مسئول نمره بد خود می دانند. ۵. یک عده از بچه ها به خود و دیگران امید می دهند که همه تلاش و دقتشان را برای گرفتن نتیجه خوب به کار می برند و به خدا توکل می کنند و برای پرسش آماده می شوند. ۶. عده ای دیگر از بچه ها خطاب به معلم می گویند که این موضوع را به مشاور یا والدین خود اطلاع می دهند و به بعضی از بچه ها که در حال آماده شدن برای پرسش هستند، با عصبانیت می گویند باید با هم متحد باشند و زیر بار زور نروند، و از آن ها می خواهند در پرسش شرکت نکنند. ۷. تعدادی نیز

واکنش دانش آموزان می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. می گویند: خانم شما از قبل نگفتید، پس ما امتحان نمی دهیم و برای جلسه بعد آماده می شویم. ۲. از دبیر برای مرور مطالب، درخواست فرصت می کنند و در پاسخ او که می گوید فرصتی داده نخواهد شد، سریع و با اضطراب کتاب هایشان را ورق می زنند و سعی می کنند درس را با صدای بلند برای خود بخوانند. ۳. بعضی از آن ها از معلم سؤالاتی می پرسند، مثل اینکه آیا پرسش سخت است؟ در نمره مستمر تأثیر دارد؟ ... ممکن است بعضی ها با شنیدن پاسخ معلم ترس و نگرانی در چهره شان دیده شود و حتی بعضی از دانش آموزان



بحث درباره آن‌ها در گروه، از هر گروه یک نفر به عنوان نماینده یا داوطلب دعوت می‌شود تا با بقیه نمایندگان گروه‌ها در مورد پاسخ‌ها بحث کند. نقش معلم در این میان شنیدن پاسخ‌ها و جهت‌دهی آن‌ها به هدف اصلی درس است.

در این مرحله، معلم تعدادی داوطلب می‌خواهد تا عکس العمل آن‌ها را در چند موقعیت فرضی بررسی کند. معلم به آن‌ها می‌گوید فرض کنید در یکی از این موقعیت‌ها قرار گرفته‌اید. عکس العمل شما چیست؟

– معلم از شما درس می‌پرسد و شما بلد نیستید.
– هم کلاسی شما کار نادرستی می‌کند، ولی معلم به اشتباه شما را سرزنش می‌کند.
– والدینتان اجازه نمی‌دهند به اردوی تفریحی اصفهان بروید.
– در صف بوفه مدرسه ایستاده‌اید و کسی بدون نوبت جلوی شما می‌ایستد.

– خواهرتان بدون اجازه وسیله شخصی شما را برمی‌دارد.
– مادران کارنامه‌تان را به دستتان می‌دهد و شما نمراتان را می‌بینید.
– نمره یکی از درس‌هایتان کمتر از آن است که فکرش را می‌کردید.
– شما موضوعی را به دوستان گفته‌اید و سفارش کرده‌اید آن را به کسی نگوید، اما او شما را تهدید کرده است که اگر اردو نیابید، رازتان را برملا می‌کند.

سپس از آن‌ها می‌پرسد، هر کدام از بچه‌ها در هر موقعیت چه احساسی داشتند. آن‌ها تشخیص می‌دهند بازیگران احساسات متفاوتی را در موقعیت‌های گوناگون نشان دادند. این احساسات دربرگیرنده شادی، خشم، اضطراب، ترس و... هستند. در اینجا معلم درباره چپستی هیجان، نحوه ابراز آن و اینکه در تمام افراد از شرایط یکسانی به وجود می‌آید، صحبت می‌کند (مثلاً شکست صرف نظر از سن، نژاد و فرهنگ، همه را ناراحت می‌کند). و وقتی هیجان زده می‌شویم،

عصبانیت خود را با جمع و جور کردن پرسروصدای وسایل خود نشان می‌دهند و زیر لب غر می‌زنند و بالاخره با چهره‌ای عصبانی برای پرسش آماده می‌شوند و...

دبیر پس از یادداشت تقریباً تمامی موارد در کلاس، سعی می‌کند ذهن بچه‌ها را از پرسش دور کند و به آن‌ها می‌گوید در زمان معین پرسش را برگزار خواهد کرد. سپس آن‌ها را به دیدن کلیبی دعوت می‌کند. این کلیپ شامل دو قسمت است: قسمت اول شامل سکانس‌هایی از فیلم **آواز گنجشک‌ها** به کارگردانی مجید مجیدی (سکانس وارونه شدن بشکه ماهی‌ها و واکنش بچه‌ها) و قسمت دوم، فیلم **مهمان مامان** به کارگردانی داریوش مهرجویی (درخواست پسر صاحبخانه از دوستش برای برداشتن مرغ و ماهی از مغازه پدر برای مهمانی آن شب و واکنش پدر پس از فهمیدن ماجرا). پس از پخش فیلم بچه‌ها شروع به پاسخ دادن به سؤالاتی از کلیپ می‌کنند که در اختیار آن‌ها قرار گرفته است.

نمونه سؤالات کلیپ

فیلم شماره ۱:

۱. ویژگی مثبت این گروه دوستی را بیان کنید.
– با توجه به پاسخ سؤال اول، آیا این گروه به هدفشان رسیدند؟ چه احساسی را تجربه کردند؟

فیلم شماره ۲:

۱. پسر صاحب مغازه چگونه می‌توانست به درخواست دوستش پاسخ دهد؟
۲. در مقابل عمل پسر صاحب مغازه چه رفتاری در فیلم دیده شد؟ جایگزین این رفتار چگونه رفتاری است؟
بعد از دادن زمان مناسب به بچه‌ها برای نوشتن پاسخ خود و

علائم قابل تشخیص چهره‌ای، ژستی و کلامی می‌فرستیم که دیگران از کیفیت و شدت هیجان‌پذیری ما باخبر می‌شوند، مثل حرکت ابروها و تغییر لحن صدا.

حال معلم فعالیت دیگری را شروع می‌کند. او از دانش‌آموزان می‌خواهد در موقعیتی یکسان، عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان دهند. هدف از این فعالیت، بیان ویژگی دیگری از هیجان است که به صورت منحصر به فرد و متمایز ابراز می‌شود (مثلاً بعضی از افراد در موقعیت شادی ممکن است گریه کنند و بعضی ممکن است بخندند. در حالت اضطراب واکنش‌های متفاوتی مانند ناخن جویدن و لرزش صدا و در حالت خشم واکنش‌هایی مانند فریاد و ناسزا گفتن، خود را زدن، ترک کردن صحنه، توجیه کردن، با صدای بلند صحبت کردن، بی‌قراری و... بسیار قابل پیش‌بینی هستند).

بعد از اتمام فعالیت‌ها، بچه‌ها را به گفت‌وگو دعوت می‌کنیم و از آن‌ها می‌پرسیم:

اگر انسان توانایی ابراز احساسات خود را نداشت، چه اتفاقی می‌افتاد؟

پاسخ بچه‌ها می‌تواند شامل این موارد باشد: بیمار می‌شد، عقده‌ای می‌شد، انرژی‌اش تخلیه نمی‌شد، آدم‌آهنی می‌شد، زندگی بی‌روح و سرد می‌شد، مسائل انسان‌ها حل نمی‌شد، دیگران نمی‌توانستند کمکی برای رفع مشکل او بکنند، ارتباط او با محیط قطع می‌شد و... معلم با تأیید جملات بچه‌ها جواب‌ها را جمع‌بندی می‌کند و می‌گوید، هیجان‌ات فطری هستند و خداوند آن‌ها را درون انسان‌ها قرار داده است. ابراز هیجان راه‌حل برخورد با چالش‌ها، استرس‌ها و مشکلات زندگی است. هیجان‌ها با هماهنگ کردن احساسات، هدف، انگیزه و جلوه‌های ظاهری رفتار «وضعیت ما را در ارتباط با محیط‌مان تثبیت می‌کنند» و «ما را به پاسخ‌های اختصاصی و کارآمدی مجهز می‌کنند که با مسائل جسمانی و اجتماعی متناسب هستند».

تا این مرحله، بچه‌ها متوجه مفهوم هیجان، ویژگی‌هایش و اینکه چرا هیجان داریم، شده‌اند.

معلم پس از این مراحل، ظرفی از غذا را که بسیار پرنمک است می‌آورد و به بچه‌ها می‌گوید هر کس هر چه می‌خواهد از آن بخورد. بچه‌ها غذای زیادی نمی‌خورند و دلیل آن را هم شوری عنوان می‌کنند. سپس به آن‌ها می‌گوید نمک طعم‌دهنده

غذاست. اگر مقدارش از حد لازم بیشتر شود کل طعم غذا را تغییر می‌دهد. پس باید به صورت کنترل شده مصرف شود. حال تصور کنید اگر قرار باشد فردی تمام هیجان‌ات و تمایلات خود را بدون هرگونه ملاحظه‌ای ابراز کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ همه افراد به طور معمول و آگاهانه یا ناخودآگاه احساسات خود را مهار می‌کنند.

اما میزان و کیفیت این مهار کردن مهم است. در اینجا از بچه‌ها می‌خواهیم تعریفی از مؤدب بودن به ما ارائه دهند؛ اینکه به چه کسی مؤدب می‌گویند.

میزان مؤدب بودن به مهارت کنترل رفتارها بستگی دارد. به نظر شما چه رفتاری، به چه مقدار و چگونه باید مهار شود؟ فرد ترسو یا خجالتی به واسطه ترس یا خجالت از بروز رفتارهای صحیح خودداری می‌کند و فرد عصبانی یا حریص به واسطه خشم یا میل شدید، رفتارهای غیرطبیعی از خود نشان می‌دهد.

در این قسمت می‌توان از بچه‌ها خواست اهداف کوتاه مدت و بلندمدت زندگی خود را برحسب اولویت بنویسند. این اهداف می‌تواند شامل موفقیت در امتحانات پایان سال، ورود به یک مدرسه عالی برای دوران متوسطه، کسب رتبه خوب در کنکور و قبولی در یکی از دانشگاه‌های خوب کشور باشد.

برای افزایش کیفیت زندگی باید بدانیم:

– چه رفتارهایی مضرند و باعث دور شدن ما از هدف زندگی می‌شوند؟

– چه رفتارهایی مفیدند و حرکت ما را به سوی هدف زندگی تقویت می‌کنند؟

با شناخت این رفتارها، می‌توانیم خواست و اراده خود را به سوی رفتارهای خوب تغییر دهیم. به این طریق، ما به مدیریت احساس می‌رسیم.

مدیریت احساس یعنی مهار کردن تمایلات و خواسته‌ها توسط عقل

در تعلیم اسلامی ما روش‌هایی برای مقابله با استرس و هیجان ذکر شده است که هر کدام راهکاری پرمایه و آرام‌بخش برای ما خواهد بود. ایمان به خدا، توکل به خدا، اعتقاد به مقدرات الهی، صبر، تفریحات سالم، روابط خانوادگی مطلوب، حمایت اجتماعی، یاد خدا، دعا و توسل به ائمه معصوم (ع).



مشاور دلسوز

امیر منصور بابایی

معلم ریاضی منطقه ۲ تهران

● عنوان: ته کلاس، ردیف آخر، صندلی آخر

● نویسنده: لوییس سکر

● مترجم: پروین علی پور

● نوبت چاپ: هفتم ۱۳۹۱

● تهران: نشر افق

● تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۳۳۳۷

برادلی چاکرز، دانش آموز ناسازگار مدرسه‌ای ابتدایی است. تکلیف انجام نمی‌دهد، دانش آموزان را کتک می‌زند، دفترهایش را خط‌خطی می‌کند و در ردیف آخر و صندلی آخر انتهای کلاس می‌نشیند. هیچ دانش‌آموزی دوست ندارد کنار او بنشینند و با او دوست شود. همیشه تنه‌است. تنها دوستانش عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌هایی هستند که در منزل دارد. با آن‌ها صحبت می‌کند و فقط آن‌ها را دوست دارد.

مدرسه او مشاور جدیدی به نام **کارلا** استخدام می‌کند. در ابتدا نگاه بچه‌ها به مشاور خیلی منفی است و علاقه‌ای برای رفتن به اتاق او ندارند. کارلا با صبر و حوصله‌ای که در جلسات مشاوره از خود نشان می‌دهد کم‌کم مورد علاقه بچه‌ها قرار می‌گیرد. او در جلسات مشاوره خوب گوش می‌کند، بچه‌ها را درک می‌کند، خود را پاسخگو می‌داند و به نقاط مثبت آن‌ها توجه بیشتری می‌کند. او استاد ابراز محبت و صمیمیت است. برادلی، بعد از چند جلسه مشاوره با کارلا، به او علاقه‌مند می‌شود و احساس می‌کند کارلا او را صمیمانه دوست دارد. کارلا خودش را دوست برادلی معرفی و به این حرف اعتقاد قلبی پیدا می‌کند.

برادلی با تشویق‌های کارلا موفق می‌شود اولین تکلیف شب خود را انجام دهد. درست در زمانی که کارلا موفق می‌شود در برادلی نفوذ کند، تعدادی از اولیا با شکایت از مشاور جدید و اینکه او کار خیلی مؤثری در مدرسه ندارد، باعث می‌شوند کارلا به مدرسه دیگری منتقل شود. این موضوع باعث می‌شود برادلی دوباره خود را تنها ببیند و خودش را به روزهای قبل از آشنایی با کارلا برگرداند. به خودش تلقین می‌کند که از کارلا متنفر است. اما در نهایت، بر لجاجت خودش غلبه می‌کند و در آخرین روزی که کارلا در مدرسه حضور دارد، به اتاقش می‌رود و با اتاق خالی او و نامه‌ای که کارلا برایش نوشته است روبه‌رو می‌شود...

داستان بیش از آنکه شرح حال برادلی باشد، روش کار مشاور جوانی است که دلسوزانه در جذب و هدایت دانش‌آموزان می‌کوشد. مطالعه این کتاب به تمام مشاوران، معلمان و مدیران توصیه می‌شود.



باز خورد مؤثر چیست؟

گرانت ویگینز
مترجم: الهه جمشیدی کاشانی
دبیر منطقه ۱ تهران

همه ما اصطلاح «بازخورد» را بارها و بارها در موقعیت‌های گوناگون زندگی به کار برده‌ایم و اگر خوب فکر کنیم بازخوردهایی را هم در طول زندگی از اشخاص دریافت و تأثیرات مثبت یا منفی آن‌ها را تجربه کرده‌ایم. بازخورد مؤثر در موفقیت افراد نقش بسیار مهمی دارد. امروزه که تأکید آموزش و پرورش بر ارزیابی‌های مستمر است و آن را نه تنها کم‌اهمیت‌تر بلکه گاهی مهم‌تر از ارزیابی پایانی می‌دانند، دانستن اینکه بازخورد چه هست و چه نیست، هم برای آموزگاران و هم برای طراحان آموزشی که می‌کوشند کیفیت ارزیابی‌های مستمر را ارتقا دهند، بسیار سازنده است.

آنچه ما از بازخورد می‌دانیم، غالباً به توضیحات و تفسیرهایی گفته می‌شود که بعد از انجام کاری یا روی دادن اتفاقی بیان می‌شوند؛ مثل: «نصیحت، تقدیر، ارزش‌گذاری و انتقاد». به نظر شما گفتن این عبارات به دانش‌آموزانمان که: «در درس علوم ضعیف هستید»، یا «بیشتر تلاش کن»، یا «از شما انتظار نداشتم»، چقدر می‌تواند در موفقیت آن‌ها تأثیر بگذارد؟

من به‌عنوان یک یادگیرنده، نیاز دارم در مورد کاری که در حال انجام‌دانش هستم اطلاعاتی عاری از قضاوت ارزشی کسب کنم تا به هدف مورد نظرم نزدیک‌تر شوم. این اطلاعات همان بازخورد مؤثر هستند. به این مثال‌ها توجه کنید:

تکلیف ریاضی شما در این هفته رضایت‌بخش نبود، چون جلونویسی و فرمول‌نویسی را رعایت نکرده بودید. نمره علوم شما در مقایسه با ماه قبل پیشرفت کرده است، چون شما به‌خوبی برنامه‌ریزی کردید. می‌دانم که اگر همین‌طور ادامه دهید نمره شما برای قبولی در آزمون ورودی به حد مطلوب می‌رسد.

عبارت‌های آفرین، ضعیف، راضی هستم یا نیستم زمانی می‌توانند بازخوردی مؤثر ارائه دهند که توضیح و توصیفی به همراه داشته باشند؛ مثل: آفرین، شما در این انشاء دقیق‌تر از قبل از کلمات استفاده کرده‌ای و من توانستم منظره‌ای را که توصیف کرده‌ای جلوی چشمانم مجسم کنم. در این مثال، ما مشاهدات خود را بدون قضاوت به اطلاع یادگیرندگانمان می‌رسانیم و آن‌ها خود می‌دانند برای رسیدن به هدف باید چه کار بکنند یا نکنند و ما از آن‌ها چه انتظاری داریم.





نصیحت و راهنمایی

ما در مقام معلم، مربی و والدین، اولین کاری که می‌کنیم نصیحت کردن است؛ قبل از اینکه مطمئن شویم یادگیرنده به اندازه کافی کوشش کرده، فهمیده، یا تجربه لازم را کسب کرده است. اگرچه ظاهراً پند و نصیحت ملموس‌ترند، ولی یادگیرندگان و فرزندانمان را وابسته و در بسیاری مواقع نیز دلسرد می‌کنند. به این ترتیب، زمانی که کسی نیست آن‌ها را راهنمایی کند، یا هنگامی که با راهنمایی افراد متفاوت مواجه می‌شوند، دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند. در نظر بگیرید فردی از کلاس درس شما بازدید کند و در پایان به شما بگوید «بهتر است در طرح درسی‌ات فعالیت‌های هیجانی هم داشته باشی». پاسخ طبیعی شما به این گونه جملات که شاید باعث رنجش هم بشوند، این است که با تعجب بپرسید، چرا؟

اگر نسبت مواردی که شما یادگیرنده‌ای را نصیحت می‌کنید، به مواقعی که به او بازخورد می‌دهید، بیشتر است، بکوشید از خود یادگیرنده بپرسید: «آیا ایده‌ای داری که بتواند کارت را بهتر کند؟»

این رویکرد نوعی خودمختاری و استقلال عمل به یادگیرنده می‌دهد و او کم‌کم پویاتر می‌شود و می‌تواند اشکال کارش را بیابد.

من به عنوان یک یادگیرنده، نیاز دارم در مورد کاری که در حال انجام‌دادنش هستم اطلاعات عاری از قضاوت ارزشی کسب کنم تا به هدف مورد نظرم نزدیک‌تر شوم

ما در مقام معلم، مربی و والدین، اولین کاری که می‌کنیم نصیحت کردن است؛ قبل از اینکه مطمئن شویم یادگیرنده به اندازه کافی کوشش کرده، فهمیده، یا تجربه لازم را کسب کرده است

تدریس کمتر + بازخورد بیشتر = نتیجه بهتر

اگرچه در دسترس‌ترین فرم ارزیابی یعنی نمره دادن را به عنوان بخشی از دورنمای مدرسه پذیرفته‌ایم و شکی هم نداریم که در جای خود بماند، این دلیل نمی‌شود که به نمره فقط به عنوان بازخورد اکتفا کنیم. در نظر بگیرید کلاس درسی را که معلم آن به جای تدریس به روش سخنرانی و متکلم‌وحده بودن، مسئله‌ای را به دانش‌آموزانش می‌دهد یا موضوعی را مطرح می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد به صورت انفرادی و سپس در گروه‌های کوچک درباره آن گفت‌وگو کنند. یا از آن‌ها می‌خواهد بحث درسی را که قرار است فردا بیاموزند، در منزل مطالعه کنند و روز بعد تکلیف آن درس را در گروه‌های کوچک و در کلاس انجام دهند. این روش هم برای یادگیرنده و هم برای مربی، مکرراً بازخوردهای مناسب از میزان درک موضوع مورد بحث ایجاد می‌کند. یعنی علاوه بر درک مفهومی موضوع، باعث افزایش مهارت حل مسئله نیز می‌شود.

ممکن است بگویید زمان کافی برای فراهم آوردن چنین بازخوردهایی در دسترس نیست، ولی فراموش نکنید اگر بازخورد را به عنوان بخش مهمی از فرایند آموزش و پرورش در نظر بگیریم، با گفتن این جمله مثل این است که گفته باشید فرصتی برای آموزش نداریم.

در شماره آینده با ویژگی‌های بازخورد مؤثر بیشتر آشنا می‌شویم.



عقل مسلمان تمام

تنظیم کننده: مهرناز رفیعی
دبیر منطقه ۹ تهران

امسال، در آستانه شروع سال تحصیلی که با میلاد امام رضا (ع) همزمان شده بود، مدیر مجتمع آموزشی ما در نشستی صمیمانه با همکاران، با ذکر حدیثی از امام رضا (ع) به نقش معلمان در تربیت دانش آموزان اشاره کردند. آنچه در زیر می آید، گزیده‌ای از مطالب ایشان است.

عقل شخص مسلمان تمام نیست مگر او ۱۰ خصلت داشته باشد:

۱ از او امید خیر باشد.

با پیچیده شدن جامعه امور خیر نیز کم‌رنگ‌تر می‌شود. یعنی افراد کمتر خیرشان به دیگران می‌رسد. متأسفانه امروزه این فرهنگ که دین هم بر آن تأکید کرده کم‌رنگ شده است، حال آنکه هنوز برخی از قدیمی‌ها مرجع رفع مشکلات مردم، اعم از مادی و غیر آن، هستند.

۲ خلق از بدی او در امان باشند.

هر فردی ممکن است خصلت‌ها، برخوردها و رفتارهای ناشایست و آزاردهنده داشته باشد. انسان باید خود را کنترل کند تا بدی او به دیگران نرسد. این امر باعث ارتباط اجتماعی بیشتر می‌شود. در کار گروهی و مدرسه نیز به گونه‌ای باشیم که خیرمان به دیگران برسد نه بدی‌مان.





با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شود.

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)
- رشد نوآموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- ♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش متوسطه ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

۳ خیر اندک دیگران را بسیار بشمارد.

اگر دانش‌آموزی کار کوچکی انجام داد، از او یاد کنیم. این خود در دیگران ایجاد انگیزه می‌کند، زیرا باعث می‌شود کاری کوچک به کاری نمونه و بزرگ تبدیل شود. چنین توجهی به دانش‌آموز و نوع رفتار ما با او، ارتباط‌های دوستانه را محکم می‌کند.

در میان اعضای خانواده نیز کار خیر، فعالیت خوب، حرف زیبا و رفتار نیک حتی کوچک فرزندان را به یاد آوریم. این خود نوعی تشویق است. مثلاً در کارنامه بچه، فقط به نمره پایین او توجه نکنیم؛ نمرات عالی او را نیز در نظر بگیریم. این رفتار، او را به کار نیک تشویق می‌کند.

۴ خیر بسیار خود را اندک بشمارد.

اینکه فعالیت‌های خود را به رخ بکشیم و دیگران را مذمت کنیم، خصلت مؤمن عاقل نیست. خیر خود را کم شماریم. این تفکر و بینش انسان را رشد می‌دهد، ولاً رشد ما محدود می‌شود. لذا نه فقط در گفتار، بلکه در ضمیر ناخودآگاه خود نیز باور کنیم که در مقابل توانایی‌های الهی که به ما داده شده است کاری نکرده‌ایم. وجود همین روحیه در امام خمینی (ره) باعث شد ایشان هنگام ورود به ایران در سال ۵۷، در پاسخ به خبرنگاری که پرسید «پس از ۱۵ سال دوری از ایران اکنون چه احساسی دارید؟» بفرمایند: «هیچ». اگر فکر کنی در کار خیر به انتهای رسیده‌ای، به غرور می‌رسی و به زمین می‌خوری. بنابراین، این طرز برخورد در حرف و گفتار نیست، بلکه در بینش و اعتقاد است.

۵ هر چه حاجت از او خواهند دل تنگ نشود.

مثلاً وقتی شاگرد دو سؤال از شما می‌پرسد، برای سؤال سوم عکس‌العمل منفی نشان ندهید. باید برای رفع حاجت دیگران صبر و حوصله و تلاش داشته باشیم.

۶ در عمر خود از دانش‌طلبی خسته نشود.

یعنی فرد هیچ موقع احساس بی‌نیازی نکند. مثلاً نگوید دوسال است معلم ریاضی هستم و به یادگیری نکته جدیدی نیاز ندارم. مطالعه مداوم و دانش‌آموزی مستمر باعث نشاط می‌شود، ولی اگر فرد متوقف شود، یعنی راکد، خسته و بی‌حوصله شود، این حالت در رفتار او اثر می‌گذارد. دانش‌طلبی تا آخر عمر باید ادامه یابد.

۷ فقر در راه خدا برایش از توانگری محبوب‌تر باشد.

این فقر فقط فقر مادی نیست، فقر یعنی فقدان و کمبود؛ یعنی همیشه احساس فقر داشتن نسبت به تعالی. خداوند دوست دارد انسان رشد کند و به تعالی برسد تا به آن صفات عالی‌ه برسد. کسی می‌تواند چنین رشد بکند که احساس فقر کند، ولاً احساس غنا مانع رشد و تعالی است.

حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

نام مجلات درخواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش بانکی: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

۸ خواری در راه خدا برایش از عزت در نزد دشمن خدا محبوب‌تر باشد.

ما تعریف درستی از عزت نداریم. مثلاً عضو گروهی می‌شویم و گروه ما را بزرگ می‌شمارد و از ما دفاع می‌کند، درحالی‌که این عزت واقعی نیست، چون واقعیت این نیست. لذا اگر مؤمنی در میان جمعی خودخواه خوار شود و آن‌ها از کردار و رفتار ناراحت شوند و جایگاه خود را از دست بدهد، نباید ناراحت شود. در غیر این صورت معلوم می‌شود که او عزت را از راه دشمنان خود جویا شده است. درحالی‌که هر چه نزد خدا خوار باشیم، نزد مردم عزت بیشتری پیدا می‌کنیم.

۹ گمنامی را از پرنامی خواهان‌تر باشد.

مؤمن نمی‌کوشد که خود را مطرح کند. یعنی حتی اگر فعالیت‌های اجتماعی گسترده دارد، ضرورت ندارد خود را عیان کند. گمنامی منش پسندیده‌ای است. انسان عاقل دوست دارد در گمنامی به سر ببرد.

۱۰ احدی را نبیند، مگر اینکه بگوید او از من بهتر و پرهیزگارتر است.

همه ما با این خصلت خیلی درگیر هستیم. روحیه ما معمولاً روحیه قضاوت کردن است؛ رفتار دانش‌آموزان و حتی والدین را قضاوت می‌کنیم. امام رضا(ع) در این فرمایش نمی‌گوید افراد مسلمان، بلکه می‌گوید «همه کس» را از خود پرهیزگارتر بدانیم.

اگر این دستور امام رعایت شود، دنیا گلستان می‌شود؛ این یعنی طرف مقابل را بهتر و پرهیزگارتر دانستن. مثلاً ما با توجه به قیافه و رفتار افراد قضاوت می‌کنیم که آن‌ها دین دارند یا ندارند! این قضاوت بدتر از همه قضاوت‌هاست. حتی لازم نیست این موضوع را آشکارا مطرح و بیان کنیم. همین قدر که در دل خود قضاوت می‌کنیم، بد است، چون ما خدا نیستیم و حق قضاوت نداریم. چه‌بسا فردی با خدای خود ارتباطی دارد که ما از آن بی‌خبریم. شاید خلوص او از ما که مؤدب به مناسک هستیم، بیشتر باشد. صرف رعایت ظاهر نشانه بهتر بودن نزد خداوند نیست.

اگر دانش‌آموزی در کلاس تکلیف انجام نداد، صفت تنبلی به او ندهید. ما باید با دانش‌آموز خاطی برخورد کنیم، ولی عمل او را زیر سؤال نبریم و برچسب بی‌انضباطی به او نزنیم. وقتی حکم می‌دهیم به اینکه دانش‌آموزی تنبل یا بی‌انضباط است، انگیزه او را از بین می‌بریم.